

سال دوم دوره دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

سه شنبه ۲۷ خرداد ۵۹ شماره ۶۵ تک شماره ۱۰ ریال

در این شماره

پودهقانان کام فیروز
فارس سخن میگویند .
صفحه ۴

پو خواستههای کارگران
آردشعله "دزفول"
صفحه ۳

پود و گونه نگارش "بسر
شربزدگی"
صفحه ۴

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب رنجبران ایران

سومین اجلاس کمیته مرکزی حزب

قطعنامه در باره مسائل سازمانی قطعنامه درباره
اوضاع ایران قطعنامه در باره اوضاع بین المللی

در صفحات ۴ و ۵

ستم پرز حمتکشان و... مقاومت

ظلم و ستم به تمام کارخانهها بازگشته است .
کارگران میگویند : متشکل شویم و کارخانه های
انقلاب اسلامی را بوجود آوریم .

اخباری که از مراکز تولید و خصوصا
کارخانهها میرسد ، اکثرا "حاکمی
از ظلم و ستم شدیدی است که
علیرغم گذشتن یکسال و نیم از
پیروزی انقلاب ، به کارگران روا می-
شود ، ظلم و ستمی که پابرجا مانده

«شب» در کمین نشسته
هو شیار باشیم !

چنانچه همه میدانیم ، چندی است اختلافات میان جناحهای مختلف
جمهوری اسلامی بطرز تاسف انگیزی حدت یافته ، بطوریکه در هفته گذشته
باعث شدامام خمینی نگرانی شدید خود را از این بابت اعلام نماید .
در ارتباط با این اختلافات و برخوردهای شدید میان دو روزنامه "انقلاب
اسلامی" و "جمهوری اسلامی" ، در شماره های ۱۹ و ۲۰ خرداد روزنامه اخیر ،
سرمقالهای چاپ گردید به قلم "ابوزینب" که در آن شدیداً به جناح مخالف
تاخته شده بود و تحت عنوان "معیارهای نخست وزیر" ، یک سلسله تزه های

دشمنان عمده ای ما ، امریکا شوروی و
طبقات وابسته و عمال آنها هستند .
میدانستند که بنا بر دعوت رئیس
جمهوری باید تولید را بالا برد ، اما
آنها بشدت از وضع کارخانه های

خود ناراضی بودند و میگفتند بنی
صدر صحبت از بکار بردن منطق و
دادن آزادی میکند اما در کارخانه های
مازور و تنها زور است که دارد بعنوان
بقیه در صفحه ۲

همه تفنگها بسوی کابل

در صفحه ۵



سالروز سپاه پاسداران

با خواندن شعارهای "درود بر اپی-
شریف" ، درود بر پاسدار - ای
پاسدار قرآن خدانگهدار تویم بمیرد
بمیرد دشمن خونخوار تو" - "آمریکا
شوروی ننگ به نیرنگ تو خون
شهندار ، مانحکدا جنگ ته " در

دیروز ۲۶ خرداد ماه سالروز
تولد سومین پیشوای شیعیان جهان
امام حسین بن علی و مصادف با اولین
سالگرد ایجاد سپاه پاسداران انقلاب
اسلامی ایران بود . ما این دوسالروز
خجسته ، انه ملت قهرمان ایران

مادر سمرقاله "رنجبر" ۲۰ خرداد به قسمت اول سمرقاله موزور برخورد انتقادی کردیم و نظرات آنرا چارچوب مخالفت یا وحدت نیروهای اسلام مبارز و چه از نظر مباحثات با ابرقدرت شوروی و عمال آن مورد انتقاد قرار دادیم. ما در این سمرقاله نوشتیم: "هرچقدر در درون خلق اختلاف گسترش یابد و در درون حاکمین اسلامی مایه نفاق و چند دستگی منجر گردد، ابرقدرت‌های آمریکا و شوروی شرایط را برای اخلاص و سوء استفاده فراهم تر خواهند دید."

این پیش بینی ما در مورد امکان سوء استفاده عمال ابرقدرت‌ها از تفرقه نیروهای خلق درست‌آزاد درآمد و روسی نامه "مردم" در شماره یکشنبه ۲۵ خرداد خود، ضمن مقاله‌ای تحت عنوان "موانع ساختگی راه‌زسر راه گسترش روابط با کشورهای سوسیالیستی برداریم." به تأیید و تمجید مواضع شرق گرایانه سمرقاله "ابوزینب" برخاست و کوشید از تفرقه نیروهای اسلامی و اختلافات درونی جمهوری اسلامی بسود آریابان کرملینی خود بهره‌برداری کند، صحت ارزیابی مافوقیبت اثبات شد. آفتاب آمد دلیل آفتاب.

دنبال این مقاله "مردم"، روزنامه "جمهوری اسلامی"، دیروز سمرقالم ای تحت عنوان "جوسو" تفاهم "وبه قلم" محمد حسن رهپور" مندرج ساخت. در این سمرقاله، علیه جوسو تفاهم و کدورت که میان نیروهای اسلامی بوجود آمده موضع گیری شده و اعلام شده است:

"در این میان، این دشمنان ما هستند که از جوسومومی که بوجود آورده‌اند خوشحالند و دشمن بزرگ مانیز از اینکه میبیند انرژی ما، صرف دفع یکدیگر میشود نه صرف دفع شر او از خوشحالی در پیوستش نمیگنجد." سپس چنین سؤال میشود: "راستی چرا اینطور شده است؟ چرا ما به یکدیگر میتازیم؟ چرا سه روزنامه با اسمی اسلامی توان تحمل یکدیگر را ندارند؟"

این سمرقاله ظاهراً "به سود وحدت نیروهای اسلامی و علیه تفرقه و نفاق موضع گیری کرده است. لکن علت اصلی این تفرقه را در دو عامل میبیند: پراکندن بدبینی توسط ضدانقلاب و سنگینی امور.

اما به اعتقاد ما، همانطور که در سمرقاله "۲۰ خرداد خود نوشتیم: "اساس و هسته مرکزی اختلافات وجدالهای میان جناحهای مختلف نیز به اختلاف در تفسیر و درک از شعار "نه شرقی، نه غربی" بر میگردد". و این موضوع را در گذشته روزنامه جمهوری اسلامی قبول داشته است. حال آنکه از این عامل اساسی در علت یابی آقای رهپور اثری نمی بینیم. در عین حال در سمرقاله اخیر "جمهوری اسلامی" موضع شرق گرایانه سمرقاله‌های ۱۹ و ۲۰ خرداد این روزنامه را (سمرقاله‌های "ابوزینب") بدست فراموشی میسپارد و با لحن بسیار خوشبینانه‌ای نتیجه میگیرد: "زمان شب سیری شده است، و با اطمینان کامل باید گفت که خواهر، برادر، حتی نوای رفیق (۱۱!) صبح در حال سرزدن است."

اما آیا میشود مواضع مباحثات سمرقاله‌های "جمهوری اسلامی" ۱۹ و ۲۰ خرداد را فراموش کرد؟ آیا میشود بدون اتحاد نظر بر روی مسائل اساسی که اساسی‌ترین آنها خط "نه شرقی، نه غربی" است به وحدت رسید؟ چرا سمرقاله جدید روزنامه جمهوری اسلامی، از مواضع شرق گرایانه سمرقاله‌های ۱۹ و ۲۰ خرداد "ابوزینب" سخنی نمیگوید و چرا در لابلای سطور خود کلامی علیه امپریالیسم شرق و ابرقدرت شوروی نمیگوید؟ سمرقاله‌های "ابوزینب" چه انحرافات داشت؟

(۱) اعتقاد به اینکه دعوی اسلام مبارز با شوروی، دعوی صرفا مکتبی و ایدئولوژیکی است، انحرافی است، زیرا بر روی جدال بزرگ سیاسی میان دو نیروی خلق وضد خلق میان ستم‌دیده و ستمکار و تجاوزگر پرده میافکند، و راه را برای سازش این دو باز میگردد.

(۲) اعتقاد به اینکه تنها امپریالیسم آمریکا دشمن بنیادی ماست و ابرقدرت شوروی فقط دشمن بالقوه ما میباشد و "اگر ما با ازدرد دشمنی وارد شود ما نیز با آن مقابله خواهیم کرد، نقطه نظری انحرافی است زیرا بر روی واقعیت خشن توطئه‌های مستقیم و غیر مستقیم ابرقدرت شوروی علیه خلق ما و دیگر خلقهای برادر (افغانستان و ایرتیره) پرده میافکند و دشمن ما را تنها در وجود امپریالیسم آمریکا خلاصه میکند و مبارزه با ابرقدرت شوروی را به آینده نامعلوم محسول میسازد.

(۳) اعتقاد به اینکه ما با بسط روابط خود با کشورهای وابسته به شوروی (مانند یمن جنوبی) خواهیم توانست علیه امپریالیسم مبارزه کنیم، سیاستی کاملاً انحرافی و خطرناک است، زیرا ما رایه‌جبهه شرق وابسته ساخته‌ایم و از تعقیب راه مستقل ضد و ابرقدرت منحرف میکنیم. در حقیقت، این سیاست، سیاست تکیه به یک ابرقدرت در مبارزه با ابرقدرت دیگر است. سیاستی که انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران بر پایه نفی و طرد آن استوار مانده است.

درست همین انحرافات است که روس نامه "مردم" از آنها تعریف و تمجید کرده است - عیناً - مانند زمانی که از انحرافات و تمایلات روسی رهبری سازمان عقبه در صفحه ۲



تبریت میجوئیم. سپاه پاسداران بمتابه یکی از ارگانهای زائیده انقلاب یکسال پیش رسا تاء سپس یافت و در عرض یکسالگی که از عمرش میگذرد با وجود برخی کمبودها خدمات بزرگ و موثری در راه پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران و تحکیم آن به ثمر رسانده است.

در مراسمی که عصر دیروز به مناسبت یکمین سالگرد تاء سپس این سپاه در مقابل لانه جاسوسی برگزار گردید هزاران نفر از مردم با استقبال رژه پاسداران گرد آمده بودند و در هنگامی که پاسداران با خود روه و اسلحه‌های سبک و سنگین و بارزهای منظم از ضلع شرقی خیابان طالقانی به سمت لانه جاسوسی نزدیک میشدند مردم

سوسیال فاشیسم زیر ضربات کارگران شوروی

اما هر که جاستم است مبارزه و مقاومت نیز هست، اعتصاب اخیر کارگران در این دو کارخانه مؤید این است که علیرغم فشار و سرکوب فاشیستی، مبارزه و مقاومت کارگران نه تنها خاتمه نیافته بلکه در حال رشد و گسترش است.

در کشورهای امپریالیستی غربی اعتصابات کارگری یک امر عادی حیات اجتماعی است. لکن، در

بر اساس گزارش خبرگزاری یونایتد پرس از مسکو هفتاد هزار نفر از کارگران روسی در دو مجتمع صنعتی بزرگ تهیه مواد غذایی دست‌با اعتصاب زده‌اند. یکی از این کارخانجات تولیداتی نام دارد که در ۸۰ کیلومتری شرق مسکو واقع شده است. کارگران خواستار بالا بردن دستمزد و بهبود شرایط کار هستند. در کارخانه دیگر بنام کورگی نیز کارگران اعتصابی خواستار وضع غذایی بهتر شده‌اند. در این اعتصاب کارگران ۲۰۰۰ اعلامیه نیز بطور مخفی پخش کرده‌اند.

روزنامه روسی "سویت سالاتا روسیه" تنه‌اسه هفته پس از اعتصاب در هفته گذشته طی مقاله‌ای به پایین آمدن ۵۰٪ تولید در این دو کارخانه اشاره کرده و از دولت خواست باین مسئله رسیدگی نماید. رئیس کمیته وزرای جمهوری روسیه میخائیل سواونده نیز درخواست کرد که دولت باید باین کاهش تولید مقابله نماید.

این خبر پس از گذشت یکماه به خارج از شوروی میرسد و این امر بغلت سانسور کامل و وسائل ارتباط جمعی در شوروی و حاکمیت سوسیال فاشیستی در روسیه میباشد.

قریب به پنج میلیون از زحمتکشان و سایر طبقات خلقی بخاطر مخالفت و مقاومت در برابر سیستم فاشیستی روسیه در اردوگاه‌های کار، در زندانها و در بیابانستانهای روانی بسر برده و شدیدترین شکنجه‌های روحی و جسمی را تحمل میکنند.

بر جسمی ستم بر ستم از آنها به گرمی استقبال کردند. در این مراسم پیام امام توسط سید احمد خمینی قرائت شد و سپس آقای بنی صدر سخنرانی ایراد کردند

خلق

ارگان سیاسی - تئوریک حزب رنجبران ایران

پنجشنبه منتشر می‌شود

نکته

موفقیت!

چندتا از طرفداران پروپاقرص رهبری غاصب "سازمان چریکهای فدائی خلق" را دیدم. پرسیدم: داداش جزو اقلیت هستی یا جزو اکثریت؟ جواب داد: من جزو حزب توده هستم!

گفتم: پس ما موریت تمام شده.

گفت: با موفقیت!

سخنگوی چریکها در دانشگاه تهران ۱۲ فروردین ۵۸ - آینه‌نگار (وبه این ترتیب زمینه را برای گام بعدی یعنی سوسیالیست دانستن روسیه آماده کردند.)

البته در این مرحله اینجا و آنجا از انحراف و رویزیونیست بودن رهبران کرملین هم یاد میکردند (کار ۱۷) غافل از اینکه لنین گفته است "در عمل ثابت شده است که در درون جنبش کارگری فعالینی که به جریان اپورتونیستی تعلق دارند - بهترین مدافع بورژوازی اند، بهتر از خود بورژواها" (دومین کنگره انتر - ناسیونال کمونیستی ۱۹۲۰)

و معلوم نیست این رویزیونیستها چگونه به نیابت از طبقه کارگر حافظ و تکامل دهنده نظام سوسیالیستی از آب درمی آیند.

در گام بعدی موضع بظاهر ضد رویزیونیستی خود را هم حذف کردند و در کار ۴ با تاء تید تجاوز روسیه به افغانستان گام بزرگی به سوی عقبه در صفحه ۲

سخنی با هواداران سازمان چریکها

چون خروشچف و برژنف به آرمانهای کارگران جهان، با خشم و نفرت یاد می کردند. ولی طی یکسال و چند ماه گذشته، کسانی بایست یازدن به مواضع ضد رویزیونیستی رهبرانی چون احمدزاده و پویان (که امروز مورد حمله شدید بانددکیا نوری قرار دارند - روسنامه ۵ اسفند ۵۸) بر رهبری این سازمان جنگ انداختند و با تمام قوا کوشیدند گام به گام "این جوانان انقلابی را به هواداران بی چون و چرای رهبران سوسیال - امپریالیست روسیه تبدیل کنند. آنها در آغاز به نفی امپریالیست بودن روسیه پرداختند (مباحثه مطبوعاتی

مقاله زیر را یکی از رفقای حزب رنجبران ایران از خوزستان برای رنجبر فرستاده است.

عده‌ای از جوانان ضد امپریالیست و انقلابی دارای تمایلات مارکسیستی - لنینیستی، به خاطر فداکاری و ازجان گذشتگی اعضا و رهبران سابق سازمان چریکها، در جریان انقلاب، هوادار این سازمان شدند. این جوانان دران هنگام یا بر علیه سوسیال امپریالیسم روسیه موضع داشتند، و یا حداقل دیگر آنرا به عنوان یک کشور سوسیالیستی قبول نداشتند. و از خیانت مرتدانی

طرح ترافیک تهران و اعتراض تاکسی رانان

مساله تاکسیرانان تهران و اعتراضشان نسبت به طرح جدید ترافیک در ارتباط با محدود نمودن آنان در ورود به مسیرهای ویژه شهر همزمان با پیاده شده این طرح از روز شنبه ۲۴ خرداد تاکنون همچنان ادامه دارد و بعلت عدم مذاکره مستقیم ورود روری تاکسیرانان با مقامات شهرداری، راهنمایی و رانندگی و سازمان ترافیک هنوز این مشکل حل نشده است.

تاکسی رانان تهران عموماً نسبت باین محدودیت معترضند. تعدادی در حدود ۲۰۰۰۰ هزار نفر از آنها چند روز است که بطور فعال پس از ساعات اول صبح دست از کار میکشند و با مراجعه به مقامات شهرداری، دفتر امام و دفتر ریاست جمهوری به تحصن خود ادامه میدهند. عده دیگری از آنها نیز که عمدتاً بعلل تنگناهای میشتی بکار ادامه میدهند حمایت خود را از محصنین اعلام داشته و خواستار آزادی عبور از خطوط ویژه هستند. این اعتراضات و تحصنها هنوز به نتیجهای نرسیده و انجمن اسلامی تاکسیرانان که بعنوان نماینده چند روزی است به مقامات مراجعه کرده اند بعد از ظهر ۲۵ خرداد اعلامیه‌ای صادر و ضمن حمایت از خواست تاکسیرانان از همکاران خواسته است تا چند روزی صبر کنند.

نارضایتی تاکسی رانان در ارتباط با طرح جدید ترافیک چند مساله اجتماعی و سبک کاری را در ارتباط با برخی مقامات دولتی و نیز صنف تاکسی رانان برجسته ساخته که دیلاً "با آنها اشاره می کنیم."

یک اینکه اعتراض نسبتاً وسیع تاکسیرانان تهران که بلافاصله پس از اجرای طرح چند روزی است که در سطح خیابانهای مرکزی شهر سرو صدائی بپا کرده و واقعیتناخوشایند و تأسف باری را ظاهر ساخته است و آن اینکه برنامه ریزان در دست اندر کاران طرح موجود بدون در نظر گرفتن مسائل ناشی از پیاده نمودن طرح ترافیک تاکسیرانان اقدام به اجرای آن کرده و بنا باظهارات اخیر شهردار در تلویزیون و عکس العمل برخی رسانه‌های گروهی حتی حاضر به پذیرفتن مساله موجود نیز نشده اند از همه بدتر اینکه برخی مقامات تا آنجا پیش رفته اند که کل حرکت اعتراضی موجود را حرکتی مجازی و حاصل تحریک و رهبری عناصر ضد

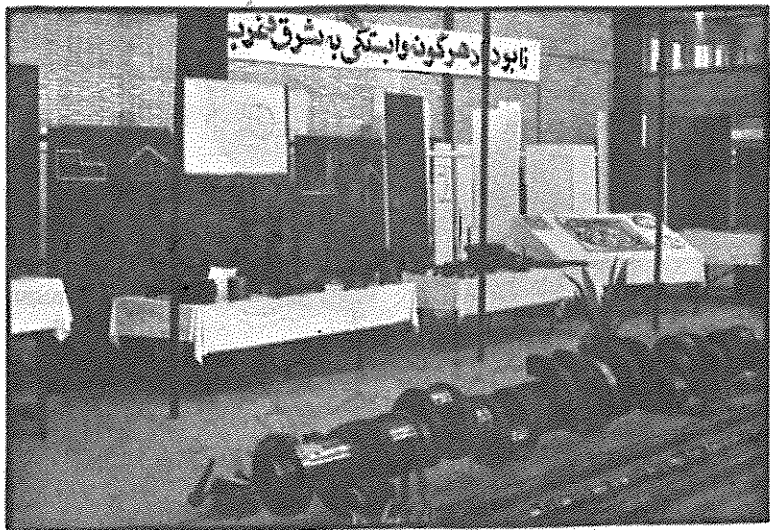
دومین نمایشگاه خود کفائی راه آهن از روز شنبه ۲۴ خرداد در یکی از سالن های راه آهن آغاز بکار کرد. این نمایشگاه که به ابتکار راه آهن دولتی ایران برپا گردیده است بمنظور ایجاد حرکتی است تا شرایط را برای تهیه وسائل یدکی راه آهن سرتاسر کشور در ایران تامین نماید. از مقابل تابلوی "بدنمایشگاه خوش آمدید" می گذریم و وارد سالن میشویم. اولین چیزی که جلب توجه میکند نوشته پارچهای بسیار بزرگی است که در روی دیوار سالن نصب شده است و میخوانیم: "نابود یاد هرگونه وابستگی به شرق و غرب". در سالن صدها قطعه لوازم و ماشین آلات راه آهن به طرز منظمی به نمایش گذاشته شده اند و مسئولان دائماً مشغول توضیح برای صنعتگران ایرانی هستند.

بای گفتگو با آقای مهندس محمد معاریان کارشناس قطعات راه آهن که بیش از ۱۰ سال سابقه کار در راه آهن را دارند می نشینیم: س: انگیزه راه آهن دولتی ایران از برگزاری این نمایشگاه چیست؟

ج: البته این دومین نمایشگاه است. نمایشگاه اول که در سال گذشته برگزار شد مربوط به موتورهای دیزل و واگن ها بود. این نمایشگاه بیشتر در مورد قطعات مختلف دیزل الکتریکی است دلیل برگزاری آن هم مقابله با تحریم اقتصادی امریکا است. زیرا که از زمان شروع تحریم اقتصادی امریکا، ورود قطعات یدکی که تقریباً همه از امریکا وارد میشد، قطع گردیده است. ما هم بایرایی این نمایشگاه خواهان خود کفائی راه آهن بوده و میخواهیم صنعتگران ایرانی را برای ساختن این قطعات به همکاری دعوت کنیم.

س: آیا شما فکر میکنید صنعتگران ایرانی میتوانند این قطعات را بسازند؟

نمایشگاه خود کفائی راه آهن گامی در راه استقلال صنعتی



ج: صنعتگران ما خوبی میتوانند این قطعات را بسازند. از آغاز نمایشگاه تعداد زیادی صنعتگر ایرانی از اینجا دیدن کرده اند و آمادگی خود را برای ساختن قطعات بسیاری اعلام کرده اند. تنها مسئلهای که وجود دارد مواد اولیه و پیدا کردن آلیاژهای مختلف این قطعات است که آنهم میتوان از طریق موسسات علمی و دانشگاهی و یادعوت از مهندسين و کارشناسان ایرانی حل کرد. البته بعضی از قطعات است که ساختن آنها فعلاً برای صنعتگران ایرانی میسر نیست و نمایش آنها برای دادن ایده و فکر به صنعتگران ایرانی است تا بتدریج در آینده بتوانید در راه ساختن این قطعات نیز گام بردارید.

معنویت اسلامی میکنند و بنی صدر رئیس جمهور از آزادی و دمکراسی برای زحمتکشان سخن میگوید، ازدهای ستم و ظلم چنان دهان باز کرده که هرچه دستاورد انقلاب هم بوده را شتابان میبلعد. حرفهای کارگران را دنبال کنیم: * زیر نام شوراها وانجمن ها مدیران کارخانه با پشتیبانی قدرتمندان دولتی یک قدرت فاشیستی در کارخانه بوجود آورده اند. و با شیوه های مختلف باردیگر دیکتاتوری سیاسی را بر زحمتکشان حاکمیت میدهند. تهدید به اخراج سلاح اصلی آنان شده است. * کارگران را با خطر عقاید ساس

رابرای یک کار دسته جمعی تولید قطعات یدکی راه آهن فراهم نمود. بایک صنعتگر جوان که از تبریز آمده است، برخورد میکنیم میگوید: "من خیلی از قطعات یدکی را میتوانم بسازم اما سرمایه و ماشین آلات ندارم اگر این امکانات را دولت بهم بدهد، خیلی چیزها میتوانم بسازم."

باصتگر دیگری گفتگو میکنیم. او که مردی مسن و باتجربه به نظر میرسد میگوید: "من در چندین نمایشگاه مختلف صنعتی تابحال شرکت کرده ام. اما به نظر میرسد که اکثر آنچه دولت میخواهد و ما میتوانیم بسازیم به نظر میرسد هیچ وجهی برای صنعتگران ایرانی صرف نمیکند. مثلاً چند وقت پیش یکی از دوستان صنعتگر من توانست بدال گاز پیکان را برای کارخانه ایران ناسیونال بسازد آنهم به قیمتی چند برابر کمتر از قیمت انگلیسی ویا ژاپنی آن. اما آنقدر او را بردردند و آوردند و اذیت کردند که از کار خود منصرف شد. شورشوق برای قطع وابستگیها

چند صنعتگران وجه در برپا کنندگان نمایشگاه بسیار است، اگرچه مشکلات نیز فراوانند. نمایشگاه را با این اعتقاد ترک میکنیم که با تکیه بر روحیه عالی استقلال طلبانه و ضد امپریالیستی مردم و با برنامه ریزی درست بتوانیم سیاست خود کفائی را با موفقیت به پیش ببریم. رسیدن به خود کفائی در راه آهن زمانی آغاز میشود که مسئولین امر به دور از بوروکراسی دست و پاگیر صمیمانه با قراردادن ماشین آلات و سرمایه کافی در اختیار صنعتگران ایرانی بیش از پیش آنان را بسوی شکوفایی استعدادها و تجاریشان و پایه ریزی یک صنعت مستقل و متکی بخود سوق دهد.

سرکوب تشکیل میدهند. چنین است سیمایی که کارگران زحمتکش از کارخانه های خود بر ایمان ترسیم نمودند. اول تعجب کردیم ناباور ایمان تا آنجا رفت که به آنها گفتیم پس چه فرقی با دوره قبل از انقلاب کرده است آنها قسم میخورند اگر بدتر نشده باشد بهتر نشده!

پس از جدایی از آنها روزهاست که، از خود سؤال میکنیم چرا؟ چرا باریگر همان وضع سابق باشد کارخانه های ما بازگشته است؟ چرا بین حرفهای اما م و بنی صدر آنچه در کارخانه ها میگذرد تفاوت از زمین تا آسمان است؟ چرا همان باریگر

انقلاب و ساواکی دانسته و تبلیغ آنرا نیز کرده‌اند! نکته دومی نیز هست و آن اینکه بعلمت وجود معدودی عناصر ضد انقلاب و وابسته به ابرقدرت‌های آمریکا و شوروی در میان صفوف تاکسی رانان و نیز صفوف مردم و تحریک دو طرف و نیز سوءاستفاده برخی مسئولین از احساسات مردم در پشتیبانی از طرح ترافیک زمین‌درگیری میان مردم ازیکسو و رانندگان ازسوی دیگر تشدید یافته و تاحدودی جو نا

مساله فکلی مساله‌های است اجتماعی و شهری. دولت و تاکسی رانان هر دو باید بدان برخوردار می‌شوند داشته باشند. تحریف اخبار در مورد مسائل اصناف و اقشار مختلف مردم بویژه زحمتکشان میهن مانیز ضربه ایست بر پیکر زخم خورده انقلاب. امید است که با در پیش گرفتن شیوه‌های اصولی از جانب تاکسی رانان و مقامات و مذاکره مستقیم این مساله بزودی حل گردد.

بقیه از صفحه ۱ "شب در کمین ..."

چریکها استقبال و دفاع مینمود. وقتی که نمونه در دناک تسلیم رهبری غاصب سازمان چریکها را به نوکران روس در پیش رو داریم، وقتی که به فعالیت های رخنه‌ای و مخرب عمال روس در ارتباط با نیروهای مختلف ملی و اسلامی و چپی آگاهیم، آنوقت سرمقاله‌های "ابوزینب" استقبال روزنامه "مردم و سکوت" سرمقاله جدید "جمهوری اسلامی" در مورد مواضع "ابوزینب"، اندکی نگران کننده مینماید. باید به آقای رهبر خاطرنشان کرد که: اگرچه پیگیری خلق مادر مبارزه "نه شرقی، نه غربی" مشت محکمی بر دهان دو ابرقدرت و عاملان کوبیده است، لکن "شب" هنوز سپری نشده است و در قالب ابرقدرت روس و عمال آن پیگیرتر و سمجتر از همیشه بر فراز جنبش ماسایه انداخته و در کمین است و میکوشد تا چون بختکی بر سر ما فرود آید. تنها راه برای دریدن پرده سیاه و سنگین "شب"، صیقل دادن هر چه بیشتر شمیر استقلال طلبانه "نه شرقی، نه غربی" و برافراشتن پرچم نه آمریکا نه روسیه است. وحدت امر خوبی است اما تنها در پرتو خط مشی راستین استقلال طلبانه قابل تحقق خواهد بود.

بقیه از صفحه ۱ "سخنی با هواداران ..."

رهبران روسیه برداشتند، و این گام را چنان برداشتند که انگار نه انگار یک ابرقدرت امپریالیستی دارد ملت ستمدیده‌ای را به کشتارگاه می برد. تا اینکه در کار ۵۶ با طرح "شوروی سوسیالیستی وارد نگاه سوسیالیزم به عنوان نیروی عمده انقلاب"، سر سپردگی خود را به اربابان روسی به اوج خود رسانیدند و از رقیب کهنه کار خود باند کیانوری، همچون دوندگانی جوان "پیشگام" تر شدند.

ازسوی دیگر علیه نیروهای ملی، بویژه سرمایه‌داری ملی، علیرغم ضرورت ایجاد جبهه متحد ضد امپریالیستی در تطابق با مرحله انقلاب، برخوردی خصمانه را آغاز کردند، و تا سرحد تبدیل تضادهای درون خلقی با هیئت حاکمه "غیر وابسته" و لاجرم ملی، به جنگ مسلحانه پیش رفتند. در حالیکه در مصاحبه ۱۲ فروردین دانشگاه تهران (آیندگان) از سرمایه‌داری ملی یاد کردند و در نامه‌ای به مهندس بازرگان (کار شماره ۲) از همه نیروهای مترقی خواستند تا در کنار دولت بازرگان علیه امپریالیزم مبارزه کنند، و سرمایه‌داری لیبرال را مطرح

مارکسیست باید به آنها توجه جدی نمایند؛ چرا در مجلس خبرگان و در مجلس شورای کتونی از زحمتکشان واقعی خبری نیست؟ مگر این انقلاب را اساساً زحمتکشان بردوش نگشیدند بهشت زهرا مزار شهیدان زحمتکشان است. بروید ببینید. بعد هم سری به مجلس شورای بزنید تا دریابید اختلاف از کجا تا کجا است - آیا این ظلم نیست؟

ارگانهای اداری و نظامی را نگاه کنید، بویی نهاز وجود بدنی زحمتکشان و نه از روحیه آنها برده‌اند. در بانها، سربازان ساده مثل سابق از زحمتکشانند.

انقلاب نوید آزادی به زحمتکشان داد. تولید را زحمتکشان بشرطی میتوانستند بالا بیاورند که معنویات در کارخانه باشد. معنویات یعنی چه مگر جز اینست که از ظلم و ستم کاسته شود. در کارخانه‌ها این روزها همانند گذشته از معنویات خبری نیست، ظلم و ستم به تمام کارخانه‌ها بازگشته است و این مایه ننگ است که در جامعه انقلابی ما، در هنگامیکه امام خمینی هر روز صحبت از برقراری نظام

شان، بخاطر مقاومتشان در برابر زور در برابر توهین ها اخراج میکنند - تنها با اینجا کار خاتمه نمی‌یابد. برای تنبیه کامل کارگر - به خانواده او فشار می‌آورند و کارگرانی را که در خانه‌های مسکونی کارخانه زندگی میکردند بیرون میریزند. مثالی پرسیدیم گفتند از جمله شرکت کشت تیگر کارون در خوزستان -

وام به کارگران مانند گذشته وسیله‌ایست برای برانو در آوردن کارگران، به آنها بی داده میشود که حاکمین کارخانه نظر مساعدی به او داشته باشند.

برای وام گرفتن خود کارگران نمیتوانند ضامن یکدیگر شوند - آدم "معتبر" لازم است آیا این توهین به زحمتکشان نیست. آدم معتبر از کجا باید گیر آورد؟

طبق قانون طاغوت، در هنگام درگیری و در ادارات انتظامی یک کارگر نمیتواند ضامن بشود، آدم "معتبر" لازم است.

کارگران راتحت عنوان کارگر موقت نگهدارند - و این خود ابزاری است برای فشار بر آنها و تهدید به اخراج. سهام اول راهنماییکه کارگر

در اکثر جاهای سرکارگرها را زنان را مجبور می‌سازند که لباس کار آنها را بشویند

در مواردی سرکارگرها بجز در اینکسسه کارگر زن وارد کارگاه میشوید چشم‌پاوست تا او را با اصطلاح صیغه کند! یا با او دوست شود. مقاومت زن باعث خشم سرکارگر میشود، فشار بر زن به انواع مختلف زیاد میگردد تا بالاخره او را برانو در آورد.

کتک زدن هنوز هم ادامه دارد بخصوص در حق بچه‌های کارگر.

گروه "الله‌واکبر" اخیراً در اکثر کارخانه‌ها براه افتاده است کارفرما و حاکمین جلساتی را تشکیل میدهند و تحت عنوان شور یا کارگران فلان مساله را مطرح می‌سازند و از قبل عده‌ای را که آدمهای خودشان هستند بسیج کرده تا با گرفتن الله‌واکبر هر چه رامیگویند تصویب شده اعلام دارند. بدینوسیله کارگران را از حق صحبت هم محروم کرده‌اند.

چماق پاکسازی هم قوز بالا قوز شده و هر روز بر سر کارگران کوبیده میشود.

اخیراً علاوه بر مامورین کمیته و پاسداران، چماق بدستان کارفرما هم بوجود آمده و مجموعه‌ای را برای

پرداخت، و به اعضا و هواداران چریکها هشدار داد و کوشش کرد توجه آنها را به انحرافات رویونیستی حاکم بر رهبری سازمان چریکها جلب کند، رهبری غاصب که می دید با درگیر شدن هواداران در بحثهای سیاسی دست روسی اش رومی شود، اول شفاها، سپس رسماً و کتبا "در کار ۵۲ از هواداران خواست که از بحث با طرفداران حزب رنجبران ایران خودداری کنند، تا بتوانند با دورنگ داشتن هواداران از بحثهای سیاسی و سانسور آنها، مواضع خود را بطور یک جانبه به آنها تحمیل کنند.

حرکت اخیر و غیر منتظره رهبری، که بدون شک بدون کمترین مشورت با اعضا و هواداران انجام شده (بدلیل غیر منتظره بودن مواضع کار ۵۹ برای هواداران)، فرصتی است تا هواداران به خود آیند و با دیدی واقعا "مارکسیستی - لنینیستی" و انتقادی از یک موضع مستقل به ارزیابی اوضاع ایران و جهان برای تعیین دوستان و دشمنان واقعی انقلاب و ارزیابی نظرات و مواضع رهبری چریکها، دست به مطالعه زده و با دیگر نیروهای سیاسی وارد بحث سالم سیاسی شوند و منی دنباله‌روی تحمیل شده از جانب رهبری غاصب را انتقاد کرده بدور اندازند.

هواداران کاملاً غافلگیر می شوند. لازم به یاد آوریم که مبارزات ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه مردم ایران به رهبری امام خمینی مبارزه‌ایست علیه هر نوع وابستگی با امپریالیزم و بر ضد دو ابر قدرت آمریکا و روسیه، و به هیچ وجه آنگونه که باند سیاه کیانوری و اخیراً رهبری غاصب چریکها می گویند بر ضد فقط آمریکا نیست.

مواضع اخیر رهبری چریکها در رابطه با رهبری امام خمینی، غیر وابسته بودن حکومت، و نقش جنگ افروزان آنارشیست (متحدین قبلی چریکها) در مسئله کردستان و تاءئید خط و اقدامات بنی صدر، نه بر اساس بی بردن به این واقعیات بلکه در خدمت استراتژی و منافع سوسیال امپریالیستهای روسیه، اتخاذ شده است.

رنجبر در آغاز روش توضیحی سیاسی و انتقادی را نسبت به رهبری سازمان چریکها در پیش گرفت (رنجبر شماره یک دوره اول) و منی با سرسخت شدن بر موضع جانبداری از سوسیال امپریالیزم، بی به ماهیت اصلاح ناپذیر رهبری غاصب برده و در تمام این مدت به افشای منی وابستگی طلبانه آنان

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

بانک ملی ایران

کمکهای خود را

به حساب بانکی زیروارز نمائید: تهران - شعبه خیابان ایرانشهر

شماره حساب ۵۳۶۸

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

صاحب امتیاز و سردبیر: فرامرز ولیری

مدیر مسئول: علی حجت

فانی: خیابان انقلاب جنب سینما روبال

خیابان رامسر کوچه آراسته شماره ۱۷

فانی پستی: تهران - صندوق پستی

منطقه پستی ۱۵

۴۱۲-۱۳۰۱

تلفن ۸۴۰۶۹۱

چاپ نسر

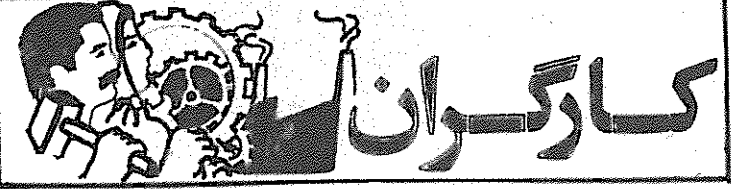
تسلیت

با کمال تأسف خبر درگذشت آقای احمد خاتمی را دریافت کردیم. این ضایعه بزرگ را به بازماندگان و خانواده محترم خاتمی و به رفیق محسن خاتمی صمیمانه تسلیت می گوئیم

هیئت تحریریه رنجبر

خواستههای کارگران زحمتکش شرکت آرد شعله دزفول

حاجی خردی، بهمنی، برخی از نمایندگان کارگران در کمیته



کارگران موج اخراج فردی و جمعی کارگران بالا میگیرد

امتناع ورزد مجبور به پرداخت ۱۰۰۰۰ تومان به وی باشد، اخیراً حاجی بطوریک جنبه زیرقرارداد زده است حتی آقای حسین پور را تهدید به مرگ کرده است.

۴- آقای سهراب شریفیان (شیراز) پس از حدود ۹ سال کار در دکان آهن فروشی و ازدست دادن سلامتی اش در محل کار (ضرب دیدگی کمر) از طرف صاحبکارش تهدید به قتل شده است. این کارگر با روزی ۱۵ تومان شروع بکار کرده و اکنون که فروش به ۱۰۰ تومان رسیده، با فشار کارفرما روبروگشته است.

۵- آقای ابوالقاسم تحسینی پور پس از ۱۲ سال کار در بازار وکیل شیراز، ۲ سال پیش در یک فروشگاه لباس استخدام شد. صاحبکار، او را که درخواست دستمزد قانونی اش یعنی ۶۳۵ ریال را کرده بود، با وضع بدی اخراج کرد.

۶- آقای علی زارع مدت یکسال و دو ماه در موزائیک سازی کار کرده است. این کارگر زحمتکش در ازای هر صد عدد موزائیک ۲۴ تا ۳۰ تومان مزد میگیرد و اخیراً که وی مساله بیمه را مطرح ساخته است با عکس العمل شدید کارفرما روبرو شد و کارفرما با توهین زیاد این کارگر را اخراج نمود.

۷- اخیراً ۱۸ نفر را از شرکت "داک فیلتر" بعثت طرح خواستههای رفاهی خود اخراج کرده اند.

۸- شرکت "گاسکن" که شرکتی ساختمانی است، ۱۸ نفر را بجرم بیرون کشیدن پرونده دزدی یکی از مهندسان این شرکت، اخراج کرده است.

۹- اخیراً در چاپخانه فرشاد ۵ تن از کارگران را بعثت درخواست دریافت حداقل دستمزد رسمی، اخراج کرده اند.

۱۰- شرکت "گیلا-سیستان" (نیشکر هفت تبه و کشت و صنعت کارون) یکی از کارگاههاش را که بیش از ۳۰۰۰ نفر کارگر داشت تعطیل کرده است، مدیر شرکت این تعطیل را به علت کمبود مواد اولیه اعلام کرده است.

ماده ۳۳ قانون کار همچنان جماعت بالا سر کارگران است. طبق این ماده کارفرما میتواند هر موقع که اراده کرد، کارگر را اخراج کند. در موارد بسیاری حتی رای کمیسیون وزارت کار دال بر محق بودن کارگردار با زکشت به کارش موثر واقع نگشته است. سرمایه داران به بهانه های اخلاص و کم کاریهای و خرابکاری - نبودن مواد اولیه، ضرر دادن و دلایل و بهانه های دیگری، کارگران را اخراج میکنند و بر موج بیگاران میافزایند. زحمتکشان بیگار بدون هیچ تائیدی، امکان فروش تنها سرمایه خود یعنی نیروی کارشان را از دست میدهند و هر روز از یک کارخانه به کارخانه دیگر بدنیاال کار روانه میشوند.

در زیر مواردی از این اخراجها را که به بهانه های مختلف بوده اند میآوریم:

۱- آقای موسی یزدانی (شیراز) پس از ۱۸ سال کار در یک کارگاه خیاطی بعثت تبدیل این کارگاه به بوتیک بیگار شده است. وی پس از مدتی از صاحبکارش خواستار روشن کردن وضع خودش. صاحبکار با پرورویی تمام باو پیشنهاد داد که در ازای این ۱۸ سال کاریک جرخ خیاطی ۴۰۰ تومانی بگیرد. پرونده شکایت این کارگر هم اکنون در وزارت کار است. او معتقد است که صاحبکار مسئول اداره کار میخواهند دست به یکی کرده و حقوقش را پایمال کنند.

۲- آقای حیدرزارع (شیراز) که مدت ۵ سال است در آلومینیوم سازی کار میکرده، در حین کار دچار شکستگی کمر شده بود. طبق دستور پزشک مجبور به ۴ ماه استراحت شده است. اکنون کارفرما از بازگشت مجدد وی به کار جلوگیری میکند. پرونده های هم اکنون در اداره کار شیراز در جریان است.

۳- آقای حسین پور، طبق قرار دادی با آقای حاج عوض شامسوندی می بایست مدت ۵ ماه در ازای ماهی ۶۵۰۰ تومان از تاریخ ۲۴ فروردین امسال بر روی گمباین برای وی کار کند و در

۴- فراهم آوردن محیطی مناسب در شرکت بطرفی که زندگی کارگران را از لحاظ دستمزد، بیمه، بهداشت و سایر حقوق بحق کارگران تامین کند. چه فقط در این صورت است که کارگران این شرکت با شور و علاقه وافر زحمت می کشند و دین خود را به میهن و به جمهوری اسلامی که محصول انقلاب اسلامی ما است، ادا خواهند کرد. باشد که این گزارش، تگانی به مسئولین دولتی داده و آنها را با اقدامات انقلابی لازم وادارد. حزب رنجبران ایران بخش دزفول - ۵۹/۳/۱۷

ماده ۳۳ را نگویند

داخلی را افزایش داد. اما اگر تصور شود که این کار به قیمت سرکوب کارگران، تهدید آنان، اخراجشان از کار بر حسب به اصطلاح ضدانقلابی "خارقانی" رئیس این مجتمع از کار برکنار گردیدند. بدون آنکه کوچک ترین دلیلی برای اخراج غیر قانونی وظالمانه ارائه گردیده باشد. این گونه اعمال خودسرانه و بازی کردن با سرنوشت مردم و بویژه کارگران که چرخهای فولادین صنایع کشورمان را بچرخ حرکت در میاورند بهیچ عنوان در خدمت انقلاب و ادامه مبارزه علیه امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت آمریکا و روسیه نیست. اینگونه اعمال مخصوصاً وقتی که هیچگونه دلیلی برای آن ارائه نمیکرد، باعث نگرانی سایر کارگران و کارمندان میگردد و در نتیجه به امر افزایش تولید لطمه جدی وارد میآورد.

برای مقابله با تهدیدات و توطئههای دشمنان داخلی و خارجی انقلاب اسلامی ایران باید در عرصه های مختلف با آنها، سدگرم شود.

۱- استخدام مجدد و خیلی سریع کارگران اخراج شده.

۲- پایان دادن سریع به زورگویی های بی بند و بار و لحام گسیخته توتونچی و پاکسازی کامل همدستانش چه در شرکت وجه در اداره کار و امور اجتماعی آن چنان که شایسته انقلاب اسلامی است.

۳- لغو فوری ماده ننگین ۳۳ از قانون کار و بجای آن تشکیل هیئتی پنج نفره مرکب از ۳ نفر نمایندگان واقعی و مورد اعتماد کارگران، یک نفر نماینده کارفرما و یک نفر نماینده وزارت کار و امور اجتماعی برای رسیدگی بمسئله اخراج یا عدم اخراج کارگر مورد مطالعه.

بار دیگر در تاریخ ۵۹/۳/۱۴ یازده نفر از کارگران و کارمندان شرکت ماشین سازی پارس وابسته به مجتمع فولاد اهواز بدستور "خارقانی" رئیس این مجتمع از کار برکنار گردیدند. بدون آنکه کوچک ترین دلیلی برای اخراج غیر قانونی وظالمانه ارائه گردیده باشد. این گونه اعمال خودسرانه و بازی کردن با سرنوشت مردم و بویژه کارگران که چرخهای فولادین صنایع کشورمان را بچرخ حرکت در میاورند بهیچ عنوان در خدمت انقلاب و ادامه مبارزه علیه امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت آمریکا و روسیه نیست. اینگونه اعمال مخصوصاً وقتی که هیچگونه دلیلی برای آن ارائه نمیکرد، باعث نگرانی سایر کارگران و کارمندان میگردد و در نتیجه به امر افزایش تولید لطمه جدی وارد میآورد.

معلوم آنها را فروخته و پول کلانسی را بچنگ آورده است. توتونچی مانند هر کارفرمای دیگر ماده ننگین ۳۳ از قانون کار را که میراثی تمامانده از رژیم منقور سابق است در دست دارد. بموجب این ماده، توتونچی اختیار نام و تمام دارد که هر وقت هوس کند، میتواند هر کارگری را صرف نظر از آنکه او چه کسی است و چه وضعیتی دارد، از شرکت اخراج کند. توتونچی جنون استعمال این ماده را دارد. و بالاخره توتونچی عناصر دست نشانده های هم در اداره کار و امور اجتماعی دارد که کارشان سرهم بندی کردن تشریفات و توجیبهات با اصطلاح قانونی برای اعمال ضد کارگری و منحوس او است.

پس از آنکه توتونچی با توسل به ماده ۳۳ و همدستی برخی از پشت میز نشین های وزارت کار، کارگری را اخراج کرد، کارگر اخراج شده به وزارت کار مراجعه میکند و در آنجا چهار هزار تومانی بعنوان "حق سابقه کار" باو میدهند و باین ترتیب کارگر و خانواده اش را به سیه روزی و تباهی میکشانند. اخیراً هم سه کارگر زحمت کش بنام نادر علی رحمانی، شیر محمد شعبانی و علی محمد غلابی گماری توسط توتونچی و با همکاری همدمستانش در اداره کار و امور اجتماعی بنا حق بر حسب "اخلال گر" خوردند و اسامی آنها به لیست کارگران اخراجی اضافه گشت.

پدر علی محمد غلابی گماری یعنی کوچک علی هم چند وقت پیش اخراج شده بود. کارگر دیگری بنام رجیب معرفیان که نظافت چی بود، در یک یا دو ماه پیش، از شرکت اخراج گردید و بالاخره کارگر دیگری هم بنام مولایی دردی ماه سال گذشته اخراج شد.

کارگران مبارز و زحمتکش این شرکت از دولت جمهوری اسلامی میخواهند که هر چه زود تر به خواست های بحق آنها، سدگرم شود.

در شرکت آرد شعله که کارگزارانش به حدود ۶۰ نفر میرسد، هر روز و هر لحظه شیخ ضد کارگری، شوم و منحوس "حاجی عبدالرحیم توتونچی" و شریک هم پیالماش "ملک آسا" در فضای شرکت گردش میکند و برای مکیدن خون کارگران مرتباً نقشه های ترونازه میریزد. توتونچی که خوب میدانند، بیگاری یکی از بلایای کشور عزیز ما و از جمله شهر دزفول است، نهایت بیرحمی و شقاوت را علیه کارگران این شرکت اعمال میکنند. او با اشاره یک انگشت، کارگری را که هر چقدر هم دارای سوابق چند ساله کار، عیال وار، مستاجر و مقروض باشد، با کینه های سخت و حیوانی، با زدن بر حسب "اخلال گر" و با استفاده از ماده ضد انقلابی ۳۳ قانون کار و با همدستی عوامل دست نشانده خود در اداره کار و امور اجتماعی، از شرکت اخراج میکند، تا هم عطش کینه توزانه اش را ارضاء کند و هم زنگ خطر را برای تهدید سایر کارگران به صدا درآورد تا بقول خودش "کارگران حساب کار خود را بکنند". وقتی که توتونچی میخواهد از کارگری انتقام بگیرد، مجازاتهای سخت و غیر قابل تحمل را برای او در نظر میگیرد. من باب مثال کارگری را وادار میکند که باید ۶۰ یا ۷۰ و یا حتی ۸۰ کیسه گندم را بپرکند، بدوزد، انبار کند و انجام اینهمه کار طاقت فرسا را فقط در یکروز ظرف ۸ ساعت کار بایند انجام دهد. در غیر اینصورت بزم توتونچی آن کارگر، "کم کار و اخلال گر" است.

توتونچی کیست؟ کمی او را بشناسیم: توتونچی دوپدب بنزین یکی در پیل دختر ویکی در پیل زال یک باغ در شرف آباد و دو پاساژ یکی در دزفول ویکی در اندیمشک دارد.

توتونچی یک زمیندار است و چندین خانه کارمند نشین دارد که از قرار



نامه سرگشاده پاسداران اعزامی از مراغه به شاهیندرز
 خطاب به رئیس جمهور:

تا دیر نشده به نیازهای منطقه شاهیندرز رسیدگی کنید

جمهوری "مشکلات منطقه شاهیندرز را چنین شرح میدهند:
 شاهیندرز این موطن مردم آزاده و سلحشور با وجود تبلیغات سوء هنوز مردانه در مقابل توطئه‌های آیدای داخلی امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی مردانه دفاع کرده‌اند بدون آنکه ما و دولت شما و شورای انقلاب یا مسئولان امور قدیمی در بهبود و عمران منطقه برداشته باشند.

وضع کشاورزی و اقتصادی منطقه بسار آسفناک است. آنسان که خودشاهد تاریکی بسیاری از خانه‌های تنگ و نمور این مردم به علت عدم بضاعت مالی برای خرید نفت بوده‌ایم. شاهد بی پولی و گرنگی و ناامیدی این توده‌های قهرمان و مسلمان هستیم.

دعوت به همکاری
 کارگران، دهقانان، رفقا و دوستان خواننده!
 بخش کارگری - دهقانی ریاضی بخش کننده وضع زحمتکشان و خواستهای مبارزات آنان است که مطالبه آن با شرکت فعال در هر شور خود شما تنظیم شود.
 برای ما کارگران و محراب از وضع محال، احتیاجات و مبارزات زحمتکشان شور و دلمو مناصب با آنها در زمینه مشکلات طرح کنید. از آداب و رسوم و ادبیات از شعر و داستان کوتاه، ضرب المثل، کارهای مردمی خود بنویسید و برایمان بفرستید تا بتوانیم با کمک شما مطالبی را در نشر و برپا کردن داشته باشیم. این گزارشات زمانی موثر و گویا تر خواهند بود که با عکس همراه باشند.
 دست شما را در فشاریم و برایشان امید موفقیت داریم و منتظر نامه‌ها و اسنادها و نظرات شما هستیم.

برادر، پاسدار چگونه میتواند تحمل کند درحالیکه فتوایهای خونخوار و سرمایه داران کثیف دست در دست هم در براده‌های شبانه خود خون فرزندان به حق این آب و خاک را به سلامتی آمریکا سرمیکشند. دهقانان مآبی برای خوردن، زمینی برای کاشتن و محیط امنی برای زیستن ندارند. درحالیکه سفره فقرآخالی، پستان مادران بی شیر و بیستروزآدان سفید، و حمله تبلیغات سوء ضد انقلاب بی پایان چگونه این تضادها را ببینیم و به عنوان رهروان خط مستقیم امام فریاد از اعماق دل بر نیآوریم؟

راستی باز باید منتظر باشیم که خواهران و برادران مایشت سر پاسداران حرکت کنند؟... هنوز وجبی از زمینهای آنها تقسیم نشده و اموال هیچ سرمایه داری مصادره نگشته‌است.

امیدواریم نکوئید فرصت نیست بلکه فرصت بسیار بوده و زمینه برای نشان دادن حسن نیت شما فراوان... چه بسیاری دستهای خالی و نیازمندی که مردانه برای بازسازی کشور و پیشبرد اهداف مقدس انقلاب اسلامی ایران آماده جهاد و جهادهای دیگری هستند.

برادر، تکیه که دل مادر مقابل دشمنان اسلام و میهن از سنگ سخت تراست، اما در مقابل فرزندان پابرنه و زگرسنه و جدا آرزندگی اجتماعی از زاری می‌گیرد. پاسداران اعزامی از مراغه دریایان نامه سرگشاده خویش به رئیس جمهور می نویسد:
 بنا براین با توجه به حساسیت منطقه عاجزانه و مصرا "خواستاریم هیئتی از طرف جنابعالی به شاهیندرز اعزام و تادیر نشده‌است نیازهای منطقه را بر آورد و برنامه‌های عمرانی به همت مردم مسلمان و متعهد شروع گردد...."

دوگانه نگرش بر... بقیه از صفحه ۴

رضاخان نبوده بلکه این نتیجه غیر منطقی شماس که این دیکتاتوری را ادامه آن میداند. زیرا انقلاب مشروطه با قانون اساسی تقلید شده از بلژیکش اگر هیچ چیز روشن نداشت ضدیت آن با استبداد را با هیچ منطق و استدلالی نمیتوان منکر شد. آنوقت بطور میتوان نتیجه منطقی یک انقلاب ضد استبدادی را استبداد دانست پس از نظریه شما در مورد انقلاب مشروطه یک چیز میتوان نتیجه گرفت و آنهم اینستکه: مردم نمایاست انقلاب

میکردند و انقلاب مشروطه مضر بحال ایران بود. محمد علی میرزا هم همین را میگفت و می‌بینید که حرفتان بس ناصواب است. دکتر خاتمی مینویسد، دموکراسی در فرهنگ و تاریخ ماریشه‌ندارد، ما فاقد مقدمات آن بودیم و اصولاً چیزی است که رسیدن به آن میسر نیست؟ دموکراسی چیست؟ بطور ساده و خلاصه وسیله‌ایست که از آن طریق اکثریت خواستهای خود را بر جمع تحمیل نمایند. در فرهنگ عامه دموکراسی را بمثابه آزادی هر فرد در محدوده منظوم جامعه نیز تعریف میکنند و از آن مقولاتی مثل برابری همه در مقابل قانون، بر خور داری از حقوق معین سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و غیره مشتق میگردد. دموکراسی و مفاهیم گوناگون آن از تمام جوامع کنونی غرب قدمت بیشتری داشته و هر چند از لحاظ لغوی به فرهنگ یونان باستان بر میگردد، اما حتی ورودش به جوامع فرو رفته بخواب سنگین قرون وسطی اروپا نیز از طریق فرهنگ شکفته و پربار شرق که در آن اسلام و افکار آن جای برجستهای را اشغال نموده بود انجام گرفت. بنا براین مفهوم دموکراسی ساخته و پرداخته استعمار و امپریالیسم که "غرب زدگی" یک نمود از آن است نبوده و از مقابله میان استبداد و ضد استبداد حاصل شده است. هر گجای عالم که نظام های استبداد و دیکتاتوری بوجود آمدند، در مقابل خود آزادیخواهی را تیغ بدست دیدند. این امر تاریخی در درجه اول در شرق و بویژه در دوران شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی در میان جامعه اسلامی یا گرفت و تابانجا رفت که در اوج جاهلیت انگیزاسیون (تفتیش عقاید) قرون وسطی اروپا که حیطة فکر و

اندیشه را عقیم میساخت در محافل اندیشه و علم اسلامی مکاتب فلسفی گوناگون آزادانه به بحث و جدل می‌نشستند. البته این حاصل کار حاکمین مستبد نبود. بلکه برعکس جوشیده و از بطن فرهنگ و سن آزادانه شرق و بویژه از درون شکوفایی تمدن اسلامی نشئت میگرفت.

از سوی دیگر آیا دموکراسی با فرهنگ اسلامی جامعه ما تطابق ندارد؟ اگر اسلام و بویژه تشیع با دموکراسی تباین دارد چگونه بود که توانست از شمال آفریقا تا جزیره العرب، آسیای جنوبی، ایران و تا مرزهای چین گسترش یابد، آنهم در زمانی کم و آنهم علیه حکومت جبارانه ساسانیان، رومیها و دیگر مستبدان محلی و منطقه‌ای؟ پس چگونه تشیع پرچم هزار و چهار صدسال مبارزه توده‌های ضد حاکمین مستبد در ایران بود و اینگونه با ستم‌دیدگان توانائی جوشیدن داشت پس می‌بینید که این حرف شما یعنی تطابق نداشتن دموکراسی با تاریخ فرهنگ ما، ناصواب تر از ادعای قبلی تان است. اما اینکه "ما فاقد مقدمات دموکراسی بودیم". چرا ما فاقد آن بودیم؟ مگر ما ستم و استبداد را نچشیده بودیم مگر - انقلاب کبیر فرانسه علاوه بر جنبه‌های اقتصادی و طبقاتی آن دموکراسی را در مقابل استبداد لوثی‌ها قرار نداد. مگر همه مقدمات فرهنگی اروپا در زمینه دموکراسی در زمین حاصلخیز ضد استبداد شاهان مطلق که خود را سایه خدا میدانستند رشد نکرد؟ و مگر ما در تاریخمان دائماً "با ظل الله" ها روبرو نبودیم و تشنه آزادی و دموکراسی نبودیم؟ این حرف که کشورهای غیر غربی فاقد مقدمات دموکراسی اند و بنا براین دموکراسی بدر دشان نمیخورد، حرف تئورسیسینهای استعمار و امپریالیسم است. آنها بودند که سالها تر توحش ملل شرق و ستم‌دیده را میدادند و براین پایه خود را قیم فراهم آوردن "مقدمات" قلمداد میکردند و از این رو سلطه خود را ضروری میسر کردند.

تزیبتری انگلوساکسونها را بر این پایه درست کردند که ملل ستم‌دیده "فاقد مقدمات" اند و این نژاد باید هدایت بشر را بعهده بگیرد و ناجی آنها بشود و با این ترهات بهر جنابیتی دست زدند. نماینده عزیز مجلس شورای ملی، این حرف شما که "ما فاقد مقدمات" دموکراسی بودیم و یا هستیم "غرب

زدگی" است و نه مبارزه برای دموکراسی، تقی زاده‌ها چنانکه میدانید به هیبت دموکراسی در آمدند که آنرا از میان بردارند و نه اینکه برقرارش سازند و آیندو مسئله را نباید باهم اشتباه کرد.

و بالاخره اینکه بنا باظهار شما دموکراسی میسر نیست و مآبی خود دنبالش هستیم. بمصداق هر چه بگنجد نمکش میزنند - وای به روزی که بگنجد نمک، وقتیکه شما بمثابه نماینده مجلس شورای ملی این جملات را ابراز میکنید نمک هم می‌گنجد. مگر نمی‌دانید وقتی دموکراسی قابل دسترس نبود استبداد حاکم میشود و وقتی استبداد حاکم شد، استقلال نخواهد بود. و وقتی اینها میسر نباشد راهی نمی‌ماند جز آنکه سر را گذاشت زمین و مرد و از صحنه تاریخ محو شد. آیا شما بمثابه نماینده مجلس شورایی وظیفه دفاع از استقلال و دموکراسی را ندارید؟

باید گفت استدلال شما و نتایج شما اگر هم برای شما مقرون بصرفه باشد برای مردم ما و ملت ما و انقلاب اسلامی ما سخت زیان آور است. شما به "غرب زدگی" حمله‌ور نشده‌اید. شما به نجات غرب زدگی شافتفاید و در این راه چیزهای با ارزشی را که انسانهای بالنده بسیاری برایش جان داده‌اند و بدین وسیله تاریخ را بسوی اهداف عالیته انسان مترقی و پیوا هدایت کرده‌اند، را قربانی مینمائید. من به بقیه نکات شما در این مقاله کاری ندارم چون مثنوی ۷۰ من میشود و بمصداق مشت نمونه خروار است بهمین ها بسنده میکنم.

بدین ترتیب دیدیم که چگونه گرایش، گرایش دیگر را می‌پوشاند و آنچه را که دکتر سید محمد خاتمی به مثابه حمله به "غرب زدگی" نگاشته اند حمله به انقلاب مردم، دموکراسی و آزادی، تحقیر ملت ما و دفاع غیر مستقیم از استبداد و بالاخره تلاشی در قانع کردن مردم برای دست برداشتن از کسب دموکراسی است زیرا بگفته ایشان دست نیافتنی است. در حالیکه آنچه "غرب زدگی" است دموکراسی نیست، بلکه پارلمانتاریسمی است که خود را به هیئت دموکراسی می‌آراید و آنرا بعداً "نشان خواهم داد."

بهرام ایومسلم
 ۵۹/۳/۱۷

دهقانان منطقه کام فیروز - فارس

خواستار تقسیم زمین، اصلاح نظام وام دهی، تغییر و تحولات کیفی در شرکتهای تعاونی، امنیت، جاده و کانال کشی هستند.

گزارشی راکه در زیر میخوانید، توسط یکی از هواداران "رنجبر" از منطقه کام فیروز فارس تهیه شده است، و امیدواریم که درج این گزارش قدمی در راه شناساندن و حل مشکلات این منطقه باشد.

منطقه کام فیروز حدود ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد و شامل چندین روستا و آبادی است. فاصله این منطقه تا شیراز ۱۵ فرسنگ میباشد، جاده های که این منطقه را به شیراز متصل میکند بطور عمده خاکی و بسیار خراب است و در زمستان عبور و وسایط نقلیه در آن غیر ممکن میگردد و وسایل حمل و نقل عمومی هم به سختی پیدا میشود. بعد از انقلاب برای ترمیم این جاده هیچگونه اقدامی نشده است.

از برنج، گندم، جو، عدس، لوبیا، نخود، ذرت، سیب، زرد آلو و انگور. محصولاتی که تولید میشوند عمدتاً در خود منطقه مصرف می گردد.

اکثر زمین های زیر کشت منطقه آبی میباشد. آب به طور عمده از رودخانه کر تامین می گردد. لیکن در مواردی به علت عدم کانال کشی، زمین ها بایر مانده اند. در این منطقه تعدادی تیلر و چند تراکتور وجود دارد. مالکیت تیلرها یافردي است یا چند نفر به طور شراکت یک دستگاه از آن را خریده اند. آن عده که فاقد این ابزار هستند به منظور شخم زمین، آنها را اجاره میکنند. به طور متوسط در ازاء شخم هر قیس زمین (۱۰ قیس = یک هکتار) برنجکاری ۱۰۰ تومان و برای شخم هر هکتار زمین گندم کاری ۱۰۰ تومان گرفته میشود. با این که بانک کشاورزی در برابر سند مالکیت زمین به دهقانان وام میدهد تا "تیلر" بخرند لیکن به علت کمبود و گرانی این وسیله (بعد از انقلاب قیمت آن تقریباً دوبرابر شده) در بسیاری از موارد روستائیان نتوانسته اند از این وام به درستی استفاده کنند. برای شخم زمین از گاو نیز استفاده میشود ولی بطور عمده از تیلر و تراکتور استفاده می گردد.

بهداشت و درمان:

از لحاظ درمانی و بهداشتی این منطقه با مشکلات جدی روبروست اکثر روستاهای منطقه فاقد حمام بوده و حمام های موجود هم احتیاج به تعمیر دارند. آب آشامیدنی منطقه از رودخانه تامین میشود. دو واحد بهداشت در منطقه در دو طرف رودخانه قرار دارد که در زمستانها به علت خرابی جاده غالباً تعطیل اند، یعنی دکتر ندارند. در بقیه مدت سال هم به علت نداشتن روحیه خدمت به خلق در دستگاه دولتی به اندازه کافی به مردم نمیرسند. در بعضی مواقع این دو واحد دچار کمبود دارو نیز می گردند.

سواد و آموزش:

در این منطقه چند مدرسه ابتدایی و دو مدرسه راهنمایی وجود دارد. اکثریت فرزندان دهقانان فقیر بعد از تحصیلات مقدماتی قادر نیستند به شهر رفته و ادامه تحصیل دهند و در ضمن تعداد شاگردان دختر کمتر از پسر میباشد. میزان بیسوادی (یعنی عدم توانایی در

طبقات اجتماعی منطقه:

مالکان بزرگ و متوسط این منطقه زمین های خود را بطور نصفه کاری زیر کشت میبرند. اینان در گذشته به مردم ظلم و ستم بسیار زیادی روا میداشتند و دهقانان را به شدیدترین وضعی تحت فشار و استثمار قرار میدادند. بعد از پیروزی انقلاب روستائیان منطقه بخشی از این زمینها را تصاحب کردند. لیکن مالکان با بسیج عوامل مسلح مزدورشان مردم را تهدید کردند و بخشی از زمین ها را دوباره پس گرفتند. بطور کلی این مالکان در منطقه ایجاد ناامنی میکنند و به علت توطئه های آنها روستائیان امنیت ندارند.

دهقانان مرفه این منطقه ۱۰ درصد اهالی را تشکیل میدهند. این ها علاوه بر این که خود روی زمین کار میکنند برای مدت کوتاهی از سال کارگر هم استخدام میکنند. دهقانان میانه حال یعنی روستائینی که به اندازه تامین زندگی خود زمین دارند، حدود ۴۰-۳۰ درصد اهالی منطقه میباشند.

اکثریت باقیمانده دهقانان فقیر بی زمین هستند که خواهان تقسیم اراضی مالکان میباشند، تا بتوانند زندگی خود را تامین کنند. دهقانان بی زمین یا فقیر در مواقع کار روزمزدی بین ۶۰ تا ۷۰ تومان روزانه دریافت میکنند. بعضی از این روستائیان به نصفه کاری بر روی زمین مالکین بکار مشغولند و درآمد حاصله تکافوی زندگی آنان را نمیکند.

مبارزه برای تقسیم زمین:

خواستهای دهقانان

۱- تقسیم زمین:

خواست اکثریت دهقانان یعنی دهقانان فقیر و میانه حال تقسیم زمین است. این روستائیان خواهان آنند که زمین های مالکان بین آنها تقسیم شود تا بتوانند زندگی حداقل را برای خود تامین نمایند.

۲- امنیت:

اکثریت روستائیان منطقه خواستار امنیت اند تا بتوانند علیه مالکان ارضی مبارزه خود را ادامه داده و از خطر حمله آنها به جان و مال (محصولات) خود در امان باشند.

۳- جاده:

تعمیر خرابیهای جاده کام فیروز تا شیراز و اسفالت آن و ایجاد جاده های مناسب بین روستاهای منطقه یکی از خواسته های اساسی اهالی این منطقه میباشد. رسیدن به این خواست به حق روستائیان در بهبود بخشیدن به زندگی آنها تاثیر بسزایی دارد.

۴- کانال کشی:

ایجاد کانالهایی از رودخانه به

۵- تغییر و تحولات کیفی در شرکت تعاونی:

شرکتهای تعاونی در گذشته همانند دیگر دستگاههای مطبقتی در خدمت زحمتکشان نبود. امروز، هنوز هم این شرکت ها بطور کامل در خدمت روستائیان زحمتکش نمیباشد. این شرکتها باید بدون تبعیض و پارتی بازی احتیاجات اولیه تولید کشاورزی مانند کود، سم، بذر، و غیره را به مقدار کافی، ارزان و به موقع در میان اهالی تقسیم کند. برای اینکار مدیریت آنها باید زیر کنترل دهقانان میانه حال و فقیر و بی زمین قرار گیرد تا از نفوذ مالکان، مفتخواران و واسطه ها در درون این شرکتها جلوگیری نمایند. از طرف دیگر این شرکتها باید احتیاجات مصرفی اولیه اهالی مانند روغن، پودر رختشویی و غیره را که بسیار کمیاب است تامین نمایند و در راه توزیع این احتیاجات نهایت تلاش خود را بکنند تا بتوانند از مرکز استان یا شهرستان اقلام مورد احتیاج را تامین کنند.

گرانی در روستاهای این منطقه بیداد میکند و این یکی از دلایل نا رضایتی روستائیان است. بزرگترین بار این گرانی بردوش زحمتکشان قرار دارد و به آنها بیش از اقشار دیگر فشار میآورد. شرکت تعاونی باید در حل این خواست اهالی بسیار کوشا باشد.

۶- وام:

وام که اینک سنت از گذشته وام

کوشش کنند اگر وام داده شود ولی ماشین آلات مورد نیاز در بازار نباشد یا بسیار گران باشد چه فایده ای به حال روستائیان دارد؟

روستائیان نیازهای زیادی دارند در بالاترینها به مهمترین و فوری ترین آن ها اشاره شد. روستائیان قدم بقدم در زندگی خود به این امر پی بردند که تنه زمانی که نهادر اتحادیه های دهقانی متشکل شوند قادرند حق خود را بگیرند.

اگر اکثریت عظیم روستائیان یعنی دهقانان میانه حال فقیر و بی زمین بایکدیگر متحد نشوند و نمایندگان واقعی خود را انتخاب نکنند قادر نخواهند بود به بسیاری از خواسته های خود برسند. تنها در پناه چنین اتحاد و تشکلی است که آنها قادر خواهند بود در موقع اجرای طرح اصلاحات ارضی از سوی دولت از هر گونه حق کشتی و تبعیض جلوگیری نمایند.

از طرف دیگر دهقانان تنها از طریق وحدت خود قادر خواهند بود امنیت منطقه را حفظ کنند و از زور گویی استثمارگران و افراد بی مسئولیت جلوگیری نمایند.

وبالاخره دهقانان تنها از طریق این تشکلهای میباشند که خواهند توانست تحولات و تغییرات عمیقی در شرکت های تعاونی ایجاد نموده، مقامات مسئول را در جهت ساختن جاده و کانال کشی بجل وادارند، بر بهداشت منطقه نظارت داشته باشند و با کمک یکدیگر بسیاری از مشکلات خود را حل نمایند.

دهقانان اگر دست به تشکیل اتحادیه های واقعی خود متشکل از زحمتکشان (نه مالکان و افراد مرفه

بیسوادی (یعنی عدم توانایی در خواندن و نوشتن) در منطقه بسیار زیاد است و اکابر هم برای بزرگسالان وجود ندارد.

فعالیت تولیدی:

تولیدات عمده منطقه عبارتند

در این منطقه چند آسیاب و برنجکوب وجود دارد که اکثرا یک یا دو کارگر دارند و محصولات برنج و گندم این منطقه بطور عمده در خود محل و توسط همین برنجکوبها و آسیاب ها آماده میشود.

مبارزه برای نسیم زمینی

بعزاز پیروزی انقلاب اسلامی دهقانان میانه حال، فقیر و بی زمین به مبارزه علیه مالکان این منطقه برخاستند. مالکان در چند مورد به حمله متقابل پرداختند. ولی روستا- ثیان توانستند بخشی از زمین مالکان را به طور موقت در اختیار خود بگیرند.

باینکه اینک بهتر از گذشته وام داده میشود لیکن باید در قبال این وام سند مالکیت زمین ارائه شود. بنابراین دهقانان بی زمین و کم زمین یعنی مستضعف ترین اقشار روستا از این وام بهره‌ای ندارند. نظام وام دهی باید به نفع زحمتکشان اصلاح شود. در ضمن اگر وامی جهت تیلرویا تراکتور داده میشود، ارگانهای مملکتی باید در جهت تهیه این ماشین آلات و در اختیار گذاشتن آن

روستا) بزنند خواهند توانست به خواسته‌های خود جامه عمل بپوشانند.

بها امید موفقیت و پیروزی هر چه بیشتر برای زحمتکشان این منطقه

پاسخی به مقاله «دو نوع دمکراسی» نوشته دکتر خاتمی و کیل اردکان یزد در مجلس

دو گونه نگرش بر «غرب زدگی»

میدانستند آب کنند ولی ادعا نکردند که اگر بومیان آفریقا مسیحی نمیشدند داستان غم انگیز و خون بار سارت آفریقا بدست استعمار سفید پیش نمی‌آمد. و اگر هم گفته بود، حقیقت نمیداشت. گاندی به بیانی با عقیده

نهفته باشد، صحبت بود و مشخصا "دو گونه دمکراسی" دکتر خاتمی. در این مقاله ایشان یکسره صفحهای درخشان از مبارزات مردم ما یعنی از زمان انقلاب مشروطیت بعد راتحت عنوان "غرب زدگی" نفی کرده

مقدمت بودیم". در نتیجه بزعم ایشان ما بی جهت بدنبال دمکراسی بوده‌ایم. زیرا هم فاقد مقدمات آن بودیم و هم این امر "ریشه در تاریخ و فرهنگمان نداشته است.

(۱۲۸۶) ایران راه دو قسمت تقسیم کردند. حال ابراز اینکه "مشروطیت به اقتضای تاریخ و نیازهای مادی و معنوی" مایه‌دار نگشت چیزی جز این است که حاکمیت بر شمرده شده خوب و بسندیده بود و نیازی به

بهبهانی و طباطبائی، ملک - المتکلمین، صورا سرافیل و امثالهم "پیشوایان غرب زده" بودند؟ و آیا قهرمانان مشروطه چون ستارخان، باقرخان و علی مسیو و امثالهم غرب زده بودند؟ آیا امیر خیز تبریز با "تحمیل پیشوایان غرب زده" بخروش آمد؟ این درست است که رهبران واقعی انقلاب مشروطیت یعنی آنها که مثل سیدین در بقاء متبرکه تحصن کردند و یا در غل و زنجیر باغشاه طعم شهادت را چشیدند (و نه آنها تیکه به تحصن در سفارت انگلیس توسل جستند) برنامه‌های روشن نداشتند، ولی آیا این حقیقت انقلاب مشروطه را

با "غرب زدگی" مخالفت می شود، ولی آیا تمام مخالفت ها اصولی و با غرضی بسویننده و پیشرونده است؟

و مینویسد "مادراین مدت دراز "دمکراسی" را جستجو میکردیم، بی آنکه این جستجو ریشه در تاریخ و فرهنگمان داشته باشد و دیدیم که به کجا رسیدیم البته در این "مسیر" و یا به تعبیر درست تر "سارت" تنها نبودیم بلکه بسیاری از کشورهای غیر

اما باین اوصاف انتقاد از "غرب زدگی" خدمتی به برانداختن از بیخ و بن سلطه استعمار و امپریالیسم نمیکند، بلکه بیشتر جنگ را آسیایی می‌نماید و منکر یکسری واقعیات و حقایق می‌گردد که نه تنها نادرست بلکه کاملاً "ناصواب است. بچند نمونه از این تحریفات دکتر

انقلاب نبود؟ زیرا که مشروطیت قبل از هر چیز یک انقلاب بزرگ سیاسی و اجتماعی بود که علیه استبداد و حامیان زورگویی آنها و بیچارگی ملت برپا شد. آیا آنچه را که دکتر خاتمی اظهار میدارد چیزی جز دفاع از استبداد قاجار، سلطه تزاریسیم و پیر کهنه استعمار انگلستان عقب ماندگی و بی‌عدالتی و امثالهم است؟ دکتر خاتمی میگوید این انقلاب "از سوی پیشوایان غرب زده مان بر ما تحمیل شد. کجای تاریخ سراغ دارید عده‌ای، انقلابی را بملتی تحمیل کرده باشند، آنهم انقلابی در ایجاد انقلاب مشروطه؟ شما که نماینده مردم اردکان یزد هستید، بروید و از افراد مسن یزد بپرسید که انقلاب مشروطیت از سوی عده‌ای بر مردم یزد تحمیل شد؟ هفتاد سازمان مسلحی که در سراسر ایران بوجود آمد تا با حمایت وسیع مردم تاج و تخت طاغوتی محمد علی میرزا را درهم بریزند آیا تحمیل شده بودند؟ آیا سیدین یعنی

تحمیلی پیشوایان غرب زده می‌نمایند؟ ابتدا، نماینده عزیز مجلس شورای ملی شما سوراخ دعا را گم کرده‌اید. یک لحظه فرض کنید انقلاب اسلامی ملت ایران با شکست روبرو شود، آیا خواهید گفت این انقلاب "به اقتضای تاریخ و نیازهای معنوی و مادی" جامعه طاغوت زده ایران بوجود نیامده بود و شکست خورد؟

انقلاب مشروطیت ایران نه تنها از نیازهای مادی و معنوی جامعه ایران نشئت میگرفت بلکه یک نیازمندی تاریخی جهان برای آسیا و شرق در خواب رفته بود. بهمین جهت هم انقلاب مشروطیت در آغاز قرن بیستم ایران را در راس نهضت بزرگ آزادیخواهی و دموکراسی آسیا قرار داد و ضربه‌ای بر استعمارگهن و امپریالیسم نوپا وارد ساخت.

انقلاب مشروطه نتیجه منطقی اش برخلاف نظریه شما دیکتاتوری بقیه در صحنه ۳

دوشنبه دوازدهم خرداد ۱۳۵۹ را باین اعتقاد کشانیده که این مطلب را باید عنوان کرد، چه بسا کمکی باشد در این جهت که در زدن "غرب زدگی" به یک راه نرویم.

گفته‌اند هر چیزی که از حد بگذرد از راستای صحیحش بدور افتاده و التقاطی میگردد. اگر اشتباه نکنم جلال آل احمد هنگامیکه با نوشته خود "غرب زدگی" این مقوله را وارد فرهنگ سیاسی مانمود، بیک جنبه‌ای نمودهای گونه‌گون سلطه و حاکمیت استعمار و امپریالیسم برخورد نمود. اما "غرب زدگی" را محور همه فلاکتها قلمداد نکرد. او نگفت که "اگر ما بخود بازگردیم قدرت مندیمان، سلطه طلب هم بمثابة معلول دست ازر ما بر خواهند داشت. او گفت میسیونرهای مسیحی بومیان آفریقا را مسیحی کردند تا تجار پارچه میلیونها یارد پارچه را در بازارهای آفریقایی به سیاهانی که دیگر برهنگی اعضا بدن را گناه

این حرف که ما "فاقد مقدمات دمکراسی" بودیم و یا هستیم "غرب زدگی" است.

عربی نیز دچار چنین سرنوشتی بودند یعنی در جستجوی چیزی که رسیدن به آن میسر نبود. بعبارت ساده‌تر و عامیانه آن مادنبال نخود سیاه بودیم، چرا که با اعتقاد ایشان دمکراسی از فرنگ است فرنگی که باز بگفته‌ایشان دو ثمره سیاسی - اجتماعی "لیبرالیسم" و "سوسیالیسم" داده است که هر دویشان دور روی یک سکه اند و آخرشان سارت انسان است و نه دموکراسی و باز بگفته‌ایشان "فرنگی، خودتاریخی، تجربیاتی و تفکری و فلسفهای داشته‌است که در یک روند دراز مدت اجتماعی قوام گرفته است و مافاقد تمامی آن

خاتمی اشاره کنیم تا بعد این نادرستی روشن تر گردد. ۱- دکتر خاتمی مینویسد "ما مشروطیت را به اقتضای تاریخ و نیازهای مادی و معنوی خود نیابوریم بلکه از سوی پیشوایان غرب زده مان بر ما تحمیل شد". آیا از این واضح تر هم میشود قلب تاریخ نمود؟ بروقتضیات تاریخی و نیازهای مادی حاکمیت داشت؟ استبداد قاجار، سلطه تزاریسیم روسیه و امپریالیسم انگلستان، فتوادالیسم، عقب ماندگی فرهنگی و فقر اقتصادی توده عظیم مردم، تا آنجا که در سال ۱۹۰۷

انقلاب مشروطیت ایران نه تنها از نیازهای مادی و معنوی جامعه ایران نشئت میگرفت بلکه یک نیازمندی تاریخی جهان برای آسیا و شرق در خواب رفته بود. بهمین جهت هم انقلاب مشروطیت در آغاز قرن بیستم ایران را در راس نهضت بزرگ آزادیخواهی و دموکراسی آسیا قرار داد و ضربه‌ای بر استعمارگهن و امپریالیسم نوپا وارد ساخت.

امپریالیسم آمریکا:



سند «برنامه مستقل نظامی»



خبرگزاریهای جهان از سندی گزارش میدهند که اخیراً در بین محافل نظامی و سیاسی امپریالیسم آمریکا در حال گردش است. این سند تحت عنوان "برنامه مستقل نظامی" توسط یک تیم بیست نفره وابسته به کنفرانس آمریکا تهیه شده و از حرکت‌های نوین مقابله جویانه آمریکا در برابر تهاجم امپریالیسم شوروی حکایت میکند. گفته میشود که مشاوران نظامی رونالد ریگان کاندیدای ریاست جمهوری آمریکا در انتخابات آینده در تهیه این سند نقش داشته‌اند و در واقع این سند برنامه نظامی و دفاعی ریگان در صورت انتخاب شدن می‌باشد.

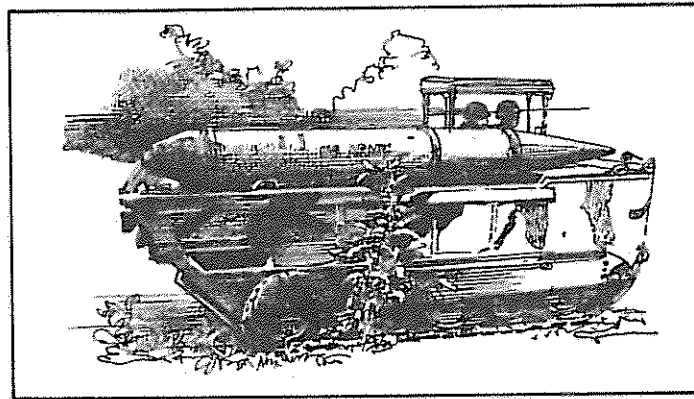
شوروی، قوای استراتژیکی شوروی و یا حتی درصد متناهی از نیروهای عمومی و غیر هسته‌ای شوروی را به عقب بنشانند.

سند مذکور "درکنار سایر برنامه‌ها" پیشنهاد تسریع ساختمان موشک‌های مدرن ام - اگس، موشک‌های قاره پیمای مینت من، ۳، ترابندت - ۲ و بمب افکنهای استراتژیک بی - ۱ را مینماید. "برنامه مستقل نظامی" سپس با تخصیص یک بودجه‌ای عظیم ۵۲ میلیارد دلاری برای ۵ سال

آینده، نکات "حساس" زیر را برای جبران عقب ماندگی آمریکا از شوروی پیشنهاد میکند.

۱- ساختن اشمه‌های لیزر فضائی تا سال ۱۹۸۵ به منظور جلوگیری از موشک‌های قاره پیمای روسیه.

۲- تسریع در ساختن تانک‌های اکس - ام یک که تنها تانک موجود در آینده خواهد بود که قادر است جلوی تانک‌های روسی تی - ۷۲ و تی - ۸۰ (پیشرفته‌ترین تانک موجود جهان) را بگیرد.



سند "برنامه نظامی مستقل" دوم مسئله اساسی را طرح میکند. اول آنکه آمریکادر طی سالهای گذشته از نظر نظامی از شوروی عقب مانده است و شوروی همه جا پروپالش را گسترده ساخته است و دوم اینکه برای تغییر چنین وضعیتی میباید سریعاً "کلیه برنامه‌های نظامی و تسلیحاتی را گسترش داد. در این سند آمده است: "اگر برنامه‌های (نظامی) کنونی سریعاً تغییر ننماید، ایالت متحده آمریکا در طول دهه ۸۰ قادر نخواهد بود که در حمله متقابل به رژیم

رویدادهای اقتصادی

شوروی از ژاپن وام می‌گیرد

شوروی برای عملیات لوله‌گاز سیبری، از بانک صادرات و واردات ژاپن وامی معادل ۳۵۰ میلیون دلار برای خرید لوله فولادی از کارخانجات فولاد سازی ژاپنی دریافت خواهد کرد. عملیات اکتشاف معادن و لوله‌کشی گاز در سیبری با سرمایه‌گذاری و مشارکت ژاپنی‌ها انجام میشود.

بانک صادرات و واردات ژاپن اعلام کرد که دولت ژاپن از شروع مذاکرات مقامات این بانک با نمایندگان شوروی با اعطای این وام کلان به روسیه موافقت کرده است. شوروی مطابق قرارداد مجبور است با این وام حدود ۷۰۰ هزار تن لوله فولادی از انحصارات ژاپنی خریداری کند.

روسیه، همچنین در ماههای اخیر خریدهای زیادی از ژاپن کرده است از جمله پس از خرید ۸۰۰ تن الیاف از صنایع نساجی ژاپن مجدداً قراردادی برای خرید ۱۰۰۰ تن دیگر از الیاف صنایع نساجی امضاء کرده است.

افزایش بهای نفت چین

چین بهای نفت صادراتی خود را به ژاپن بهر بشکه ۱/۵ دلار افزایش داد و به ۲۴/۶۲ دلار رساند. این تصمیم چین که بدنبال تصمیمات اجلاس اخیر شورای وزیران اوپک و اختلاف ایران و ژاپن بر سر بهای نفت صادراتی ایران گرفته شد، اخیراً به دولت ژاپن ابلاغ شده است.

صدور نفت ایران به ژاپن از اواسط اردیبهشت به تعلیق درآمد زیرا ایران خواهان افزایش ۲ دلار برای هر بشکه نفت صادراتی خود بود که قبلاً ۳۳ دلار به ژاپن فروخته میشد. ژاپن که امسال ۸ میلیون تن نفت از چین خواهد خرید، با این افزایش قیمت از طرف چین و اصرار ایران برای تعیین ۳۵ دلار برای هر بشکه مجبور است قیمت درخواستی ایران را قبول کند، چرا که بازار بهتری برای تامین نیازهای نفتی خود نخواهد یافت. ژاپن نفت خود را اساساً از کشورهای حوزه خلیج فارس، چین و تاحدودی اندونزی تامین میکند.

۳- گسترش تسلیحات اشعه‌ای در صحنه اروپا.

۴- افزایش تعداد زیر دریائی‌های هسته‌ای برای مقابله با ناوگان‌های وسیع شوروی.

۵- نیروی ویژه ضربتی ۱۰۰ هزار نفره. سند برای این اعتقاد است که امپریالیسم آمریکا بمنظور جلوگیری از پیشروی روسها بطرف آبهای خلیج فارس میباید سازمان دادن این نیروی ویژه را محکم بدست گیرد چه حل مناسب قدرت بین آمریکا و شوروی در خلیج فارس از طریق متحدین منطقه ای آمریکا حل نخواهد شد.

اگرچه چنین برنامه‌های نظامی از طرف سند "برنامه مستقل نظامی" نشان میدهد که امپریالیسم آمریکا پس از یک دوران شکست‌های بی‌دری در دهه ۷۰، در تلاش است تا با تقویت نیروی نظامی خود جبران این عقب نشینی‌ها را در این دهه بنماید. تشدید رقابت دو ابرقدرت شوروی و آمریکا و پیروزی تهاجم جهانی شوروی برای تسلط بر جهان خبر از جنگ جهانی دیگری میدهد. جنگ جهانی سوم خزان خزان می‌آید. هوشیار باشیم و از هم اکنون تدارک مقابله با آن را ببینیم.

شکوفائی جنبش انقلابی خلق افغانستان هزاران افغانی میهن دوست که در اردوگاه‌های آوارگان در پاکستان و ایران بسر می‌برند برای شرکت در این جنگ مقدس راهی میهن شده‌اند تا سرزمین آب‌آ و آجدادی خود را از زیر سلطه جهان خواران پلیید روسی نجات دهند. آنها گروه گروه برای یکسره کردن کار چنایتکاران زمین خوار روسی به میهن باز می‌گردند تا با نثار خون خود لکه ننگ اسارت را برای همیشه از دامن سرزمین خود بشویند.

خبرگزاری آسوشیتد پرس بنقل از خبرگزاری چین از کابل گزارش میدهد که در تیربردهای شدید چند روز گذشته تانک هامسیر خود را بطرف کابل

استانهای بین نیروهای مبارز و مجاهد افغانستان و ارتش تجاوزگروس به شدت ادامه دارد.

در بر خورد سخت و خونینی که در بعد از ظهر یکشنبه هفته پیش در نزدیکی جلال آباد اتفاق افتاد چهار تانک و دو کامیون دولتی توسط چریکهای مجاهد افغانستان منهدم شدند. بدنبال این حمله راه کابل و جلال آباد توسط نیروهای دشمن مسدود و در رفت و آمد در آن قطع شد.

از طرف دیگر این خبرگزاری گزارش داد که روسها اخیراً ۴۰٪ تانک و راهی "بدخشان" نمودند اما بر اثر مقاومت سخت چریکهای افغانی در مسیر حرکت این ستونهای ارتشی، تانک هامسیر خود را بطرف کابل

های اشغالگرو شوروی - به افغانستان برمی‌گردند. آنها افغانی‌هایی هستند که در سالهای اخیر در جستجوی کار به ایران آمده‌اند و در شهرها و روستاهای کشور به کارهای کارگری و کشاورزی مشغولند و در روزهای اخیر موج وار به سوی میهن خود برای جنگ با دشمنان اشغالگر به حرکت در آمده‌اند.

در بین کشاورزان افغانی جنب و جوش شوق آفرینی برای بازگشت به افغانستان دیده میشود. آنها پولهای خود را که در این مدت در اثناء کار بدست آورده‌اند خرج خرید اسلحه قاچاق کرده و برای شرکت در جنگ میهنی خود علیه اشغالگران فاشیست سوسیالیست امپریالیست به افغانستان بر می‌گردند حرکت عظیم انسانی. مهاجران

همه تفنگ‌ها بسوی کابل

بیش از ۸۰۰ نفر از نیروهای اشغالگر روسی کشته شده‌اند. ۱۳۰ تانک نیروی دشمن منهدم و ۶ تانک نیز به غنیمت گرفته شده است.

از طرف دیگر خبرگزاریهای خارجی از افغانستان گزارش میدهند که مبارزین افغانی که در روستاهای اطراف کابل مستقر شده‌اند بایسک بورش ناگهانی و غافلگیرانه حصار فولادین تانک‌ها و زره‌پوشهای روسی را درهم شکسته و ضربات سختی به نیروها و مواضع چنایتکاران روسی در کابل وارد کرده‌اند.

بگفته همین مسافران مردم کابل عموماً "روسها سربازان عروسکی

نیروهای مبارز افغانی از هفته پیش دست بیک تهاجم و حمله همه جانبه بر علیه نیروهای اشغالگر روس و دولت دست نشانده بیک کارمل در اطراف کابل زده‌اند. مجاهدین و مبارزین افغانی تا ۶ کیلومتری حومه کابل رسیده و با استقرار نیروهای خود و سنگر بندی در ارتفاعات ارتش فاشیستی و تجاوزکار کرملین را از همه سو زیر ضربات خرد کننده خود قرارداده‌اند.

یکی از اعضای حرکت اسلامی

افغانستان به خبرنگار اعزامی خبرگزاری پارس گفت: "مجاهدین ماتبه کیلومتری کابل پیشروی کرده و منطقه "شاهجوی" و "کلاک" را که بین کابل و قندهار واقع شده است را ظرف دو روز گذشته تصرف خود در آورده‌اند." بگفته همین مسئول در این درگیری

وحمله دلبرانه که دو ساعت جریان داشت پنج پلیس مزدور کشته و یازده نفر زخمی شدند. ضمناً گروههای مبارز و مجاهد افغانی با پخش شبنامه‌هایی به ساکنین محله "خیرخانه" در نزدیکی مجتمع نظامی روسیه در شمال کابل

های دیگر نیز بشدت هرچه تمامتر ادامه دارند و مبارزین از تحرک چشم گیری برخوردارند. انقلابیون افغانی در کلیه جبههها ابتکار نبرد را در دست داشته و نیروهای مهاجم روس در بیشتر جبههها موضع دفاعی دارند. بالهام از این پیروزی ها و

افغانستان یک هلی کوپتر و یک هواپیمای بمب افکن روسی در شهر "شاکردار" که در ۳۵ کیلومتری شمال کابل واقع است را سرنگون کردند. بر اساس گزارش همین خبرنگاری مبارزه در استانهای ننگرهار، پکتیا و بدخشان و سایر

بمردمانه و زورورده بدخشان منصرف شدند. ستون تانکهای اعزامی ۱۸ تانک و گامیون نفربر خود را نیز از دست داد. از استانهای مختلف ایران خبر میرسد که افغانهای مهاجر برای جنگ با دشمنان میهن خود - نیرو

بعضی به سوی میهن اسلحه خود، نشان دهنده اوج تازه‌های در مبارزه و پیاداری قهرمانانه خلقهای برادر افغانستان علیه نیروهای اشغالگراست و خبر از نزدیک شدن ساعات پیروزی مبارزه مردم افغان و شکست فضاحت با ر نیروهای فاشیست روسی است.

بقیه از صفحه ۶

"اطلاعیه کمیته مرکزی حزب رنجبران ایران"

شوروی دارای یک نقشه استراتژیک برای سلطه بر جهان است. حلقه مرکزی این نقشه استراتژیک را سلطه بر اروپا و ژاپن (بزرگترین مجموعه اقتصادی و انسانی جهان - صنعتی) تشکیل میدهد. در رسیدن به این هدف شوروی تلاش میکند شریان حیاتی این مجموعه بویژه راههای آبی و منابع نفتی را تحت کنترل خود در آورد.

شوروی برای پیاده کردن این نقشه استراتژیک عوامل مادی و نیروی نظامی عظیمی را بوجود آورده و متمرکز ساخته است و در جهت اجرای نقشه خود از هیچ عملی روی گردان نبوده و با تمام قوا کوشش مینماید.

شوروی علاوه بر زرادخانه عظیم نظامی خود، روی نیروی کشورهای هم‌مونیست کوچک، ستون پنجم‌ها و عوامل خود در جهان سوم و همچنین جریان مدار اجوتی در جهان حساب مینماید.

تجاوز مستقیم شوروی به خاک افغانستان یک تغییر کیفی در پیاده کردن سیاست تعرضی شوروی و شناخت ماهیت آن بوجود آورده است زیرا این حمله اولاً آغاز مرحله سوم از تکامل سوسیال - امپریالیسم یعنی تجاوز مستقیم نظامی آن که جهان سوم است، ثانیاً این تجاوز آغاز مرحله جدیدی در پیاده کردن نقشه استراتژیک شوروی میباشد، ثالثاً عاملی برای شناخت شدن ماهیت و اهداف این نقشه در سطح جهانی گشته است.

در برابر حرکت تعرضی شوروی، عوامل باز دارنده و مقاومت در سطح جهانی روز بروز در حال رشد و گسترش است. آگاهی مردم سراسر جهان نسبت به ماهیت امپریالیستی این ابر قدرت و نقشه استراتژیک آن برای تسلط بر جهان دائماً بالا میرود. مرکز این مقاومت، جهان سوم است. چین سوسیالیستی با یک میلیارد جمعیت که ستون استواری را در مقاومت ضد سوسیال - امپریالیستی تشکیل میدهد، جزو این جهان است.

دوران نوینی در جنگ مقاومت و عادلانه آغاز شده است، دورانی که آنرا دوران مقاومت در برابر ابر قدرت شوروی میتوان نامید. اکنون در صف اول جبهه جنگ علیه شوروی خلقهای قهرمان افغانستان، کامبوج، لائوس، اریتره و... قرار دارند. لیکن افغانستان بدلیل درگیری مستقیم با ارتش سوسیالیست فاشیسم و همچنین موقعیت حساس جغرافیائی آن، نقش برجسته‌ای را در جبهه مقاومت علیه پیشروی شوروی بهنده دارد.

خطرات ناشی از سیادت طلبی و نقشه تجاوز کارانه شوروی برای افکار عمومی و مردم جهان دوم قابل لمس گشته، به مدار اجوتی ضربه وارد آمده و پس از تجاوز سوسیال - امپریالیسم به افغانستان، هوشیاری و روحیه مقابله و مقاومت در جهان دوم از جمله، اروپای غربی و ژاپن و همچنین بعضی از کشورهای شرق اروپا بالا رفته است و جهان دوم جبهه‌ی دیگری را در مقاومت در برابر نقشه استراتژیک شوروی تشکیل میدهد. همچنین مقاومت و مبارزه خلقهای آمریکا و شوروی خود عامل باز دارنده دیگری در برابر این نقشه استراتژیک است.

به این دو جبهه باید مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی درونی ابر قدرت شوروی را نیز افزود که بنوبه خود مشکلات زیادی در برابر اجرای نقشه تعرضی شوروی ایجاد میکند.

بنابراین در عین اینکه شوروی با تمام قوا تلاش میکند تا نقشه استراتژیک خود را بطور کامل و سریع پیاده نماید لکن عوامل متعدد باز دارنده و مقاومت، هم مانع جدی در برابر پیشروی آن ایجاد مینمایند و هم او را مجبور میسازند تا تغییرات مشخص مرحله‌ای در نقشه خود بوجود آورد.

در نتیجه پرولتاریا باید از طرفی کاملاً ماهیت متجاوز و فاشیستی شوروی را بشناسد، نسبت به آن کوچکترین خیال واهی بخود راه نداده و با تمام قوا خود را برای مقابله با نقشه آن در تمام ابعادش آماده نماید. از سوی دیگر پرولتاریا باید قدرت عظیم مقاومت خلقها، ملل و کشورهای جهان را برای درهم شکستن این نقشه بحساب آورد و تمام عوامل مثبت را جهت بتعویق انداختن، برهم زدن قسمی یا عمومی و نهایتاً در هم شکستن این نقشه استراتژیک بحرکت در آورده و آگاه باشد که خرس قطعی با شکست هر حمله‌اش درنده خوتر به حمله دیگری دست خواهد زد، اگر چه با هر تجاوز گام جدیدی در جهت نابودی خود برمیدارد.

نقش ایران

ایران بخاطر موقعیت جغرافیائی و قرار گرفتن در یکی از مهمترین کانونهای رقابت، تشنج و هرج و مرج جهانی، حلقه‌ی مهمی را در نقشه استراتژیک شوروی برای سلطه بر جهان تشکیل میدهد. ایران حلقه‌ایست در پیاده کردن نقشه استراتژیک شوروی و بزرگ سلطه در آوردن آن بهر شکلی، بخشی از نقشه را تشکیل میدهد. به این دلیل سوسیال - فاشیسم شوروی دیر یازود مطمئناً خاک میهن ما را مورد تجاوز و تاخت و تاز خود قرار خواهد داد و در اوضاع کنونی، ابر قدرت شوروی خطر عمده‌را علیه استقلال ملی

کشور ما تشکیل میدهد و از میان عوامل خازجی، عامل عمده اخلال در مقابل تکامل انقلاب اسلامی ایران و تحکیم مبانی آن میباشد.

قطعنامه سپس در این ارتباط به وظائف حزب اشاره کرده و تصریح مینماید که:

بدلیل این وضع، وظایف سنگین و حساسی بر دوش حزب ما قرار دارد. حزب باید عوامل مثبت موجود در مقابل تجاوز شوروی را بحرکت در آورد و اکثریت عظیم مردم و وسیعترین نیروهای ملی و استقلال طلب را برای مقابله با خطرات ناشی از تلاش ابر قدرت شوروی برای پیاده کردن نقشه استراتژیک خود در رابطه با کشور ما، بسیج نماید. حزب باید آگاه باشد که اکنون تحرک انقلابی در درون جامعه ما، جریان عظیم استقلال طلبانه‌ی ضد دوا ابر قدرت و وحدت و وسیع خلق در مبارزه بخاطر استقلال ملی، علیرغم تزلزلاتی که در رابطه با روسیه بوجود آمده است، عوامل مهمی برای مبارزه علیه تجاوز شوروی میباشد.

باتوجه به عوامل فوق و اوضاع عمومی و مشخص، حزب باید در درجه اول یک نقشه عمومی برای کار در درون و بیرون حزب جهت مقابله با تجاوز شوروی طرح ریزی نماید و در مرحله کنونی مشخصاً "روی مسائل و وظایف زیر تاکید نماید.

۱- در درون حزب

باید تمام حزب از نظر ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی برای مقابله با تجاوز و توطئه و خطرات دیگر شوروی آماده شود. باید از طریق کار توضیحی هوشیاری اعضا و هواداران حزب در مقابل شوروی بالا برده شود و با داشتن خیال واهی نسبت به این ابر قدرت یا کم بهاء دادن به خطر جدی آن مبارزه شود. در عین حال باید اعضا و هواداران حزب به نیروی شکست ناپذیر توده‌های میلیونی خلقهای ایران بویژه طبقه کارگر قهرمان میهن و دهقانان زحمتکش ایران عمیقاً اعتماد نمایند، نیروئی که قادر است هر گونه تجاوز و توطئه علیه استقلال و تمامیت ارضی کشور را درهم شکند.

۲- در بیرون حزب

آلغ - تاکتیک مردمی حزب برای مقابله با خطر تجاوز شوروی به ایران مانند سابق تحقق اتحاد بزرگ ملی است و در این مورد باید بر اساس بسط و گسترش نیروهای مترقی، جلب نیروهای بینابینی و دفع حملات سرستان عمل نمائیم. اساس اتحاد بزرگ ملی در اوضاع کنونی، تاکید بر رفتن حزب به میان توده‌ها، یکی شدن با توده‌ی عظیم زحمتکشان،

بسط و گسترش صفوف حزب و پایه‌های توده‌ای آن در میان طبقه کارگر، دهقانان و خریده بورژوازی تشکیل میدهد. در عین حال باید فعالیت مشخص جبهه‌ی استقلال - طلبانه را بسط و گسترش دهیم و تمام عوامل مثبت و نیروهای ممکن را در این جبهه گرد آوریم. ارتباطات را با اسلام مبارز و نیروهای ملی گرا گسترش دهیم.

در عین حال در دفع حمله سرستان، وظیفه‌ی مرکزی در هم شکستن تلاشهای دارودسته‌ی کیانوری و دیگر گروهها و عناصر انقیاد طلب برای تشکیل جبهه‌ی متحدانقیاد طلبی در برابر روسیه است.

ب- در پیاده نمودن تاکتیک اساسی فوق، باید در درجه اول به کار تبلیغاتی توجه نمائیم و در کار تبلیغاتی به افشای نظریات انقیاد طلبانه در جامعه نسبت به ابر قدرت روس تاکید گذاریم.

افشای خط انقیاد طلبانه‌ی دارو دسته‌ی کیانوری حزب توده.

افشای نظرات انقیاد طلبانه‌ی "چپ" که در خدمت سوسیال - امپریالیسم عمل مینمایند، در دستور کار ما قرار دارد و باید ماهیت واقعی آنها را به توده‌ها شناساند. افشای نظرات انحرافی انقلابیگران که در لباس اسلام خود را پوشانده و بطور عینی به سوسیال امپریالیسم خدمت میکنند.

ب- باید رفقا و طرفداران حزب را بسیج کنیم تا در دفاع نظامی میهن شرکت کرده و در صف اول قرار گیرند و همراه و همدوش توده‌ها با درک اهمیت داشتن نیروی بسیج ملی و مردمی به مقابله با توطئه‌ها و تجاوز شوروی برخیزند.

ت- برای مقابله با نقشه استراتژیک شوروی ما باید به جبهه‌ی بین‌المللی مقابله با شوروی توجه نمائیم. در مرکز این همکاری، همبستگی و پشتیبانی و خدمت به ادامگی هرچه قاطعانه‌تر مقاومت خلقهای افغانستان، کامبوج، اریتره و... قرار دارد. سیاست ما در این مورد تا بحال همگام با اهمیت مسئله نبوده است.

روشن ساختن نقش جهان دوم و مبارزه برای اینکه دولت ایران در جهت جلب آن به مبارزه علیه تجاوز ابر قدرت روسیه، قدم بردارد.

کمیته مرکزی حزب رنجبران ایران نیمه دوم خرداد ماه ۱۳۵۹

نه آمریکا، نه روسیه، زنده باد ایرانی مستقل و متکی بخود

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب رنجبران ایران

درباره سومین اجلاس وسیع کمیته مرکزی حزب

سومین پلنوم اولین کمیته مرکزی حزب رنجبران ایران در نیمه دوم خرداد ماه در محیطی گرم و پر شور و سرشار از وحدت و یکپارچگی برگزار گردید. پلنوم پس از استماع گزارش دفتر سیاسی درباره:

- ۱- فعالیت عمومی و عملکرد حزب در فاصله میان دو اجلاس کمیته مرکزی
- ۲- بررسی تکامل اوضاع در ایران و وظایف حزب ما
- ۳- ارزیابی اوضاع بین المللی، استراتژی جنگی سوسیال-امپریالیسم شوروی و نتایج آن در خاور میانه و ایران به بحث و تبادل نظر همه جانبه، درباره گزارش ارائه شده پرداخت. اجلاس کمیته مرکزی با طرح پیشنهادات اصلاحی و پاره‌های اصلاحات و تغییرات به اتفاق آراء گزارش دفتر سیاسی را مورد تأیید قرار داد و با تصویب اسناد و قطعنامه‌هایی درباره مسائل سازمانی، اوضاع ایران و اوضاع جهانی - با موفقیت بکار خود خاتمه داد.

در جهت تحقق نقشه خود در شرایط کنونی استفاده کند. پرچم راستین ضد دو ابر قدرت انقلاب ما هر روز دشمنی آنها را نسبت به انقلاب ما بیشتر کرده و می‌کند و به این موضوع باید توجه جدی نمود.

قطعنامه سپس به وضعیت اقتصادی کنونی اشاره کرده و خاطر نشان می‌سازد که:

بحران اقتصادی که از قبل از انقلاب شدت پیدا کرده بود، در دوران پس از پیروزی انقلاب نیز علیرغم تغییر در بعضی پارامترها و مناسبات اقتصادی کماکان ادامه یافت و حتی در مجموع رو به وخامت نهاد. در حال حاضر هم با وجود بهبود نسبی در بعضی بخشها تغییر آشکار در مجموع وضع اقتصادی بسمت سر و سامان یافتن مشاهده نمی‌شود و همچنان وضع اقتصادی کشور آشفته و نا بسامان است.

و سپس در ارتباط با وضعیت سیاسی موجود چنین ادامه می‌دهد:

وجود مشی‌های انحرافی و برنامه‌های متفاوت در بین نیروهای سیاسی و در درون هیات حاکمه، مبارزه میان جناح‌های مختلف هیئت حاکمه بر سر انحصار قدرت سیاسی که تبلور خود را در وجود مراکز متعدد قدرت، انحصار طلبی، انقلابیگری کاذب، مدارا جوئی نسبت به ابر قدرتها و سایر عوامل مییابد، عامل اصلی در ایجاد تلاطم داخلی است. اکنون نه تنها میان احزاب و دستجات هیئت حاکمه بلکه در درون خود این احزاب و دستجات نیز اختلاف و انشعاب موجود است تا حدی که از توطئه علیه یکدیگر کوناهای نکرده و تا سطح زیر پا گذاشتن منافع اساسی انقلاب به ویژه از جانب جناح انحصار طلب کشیده می‌شود.

عوامل هرج و مرج و بازدارنده در پیشبرد انقلاب

قطعنامه سپس به بررسی عواملی که در سطح داخلی به هرج و مرج و تلاطم دامن می‌زنند و در پیشبرد انقلاب نقشی باز دارنده دارند، پرداخته و آنها را چنین بر می‌شمارد:

توطئه‌ها و اخلاص دشمنان انقلاب به ویژه طبقات سرنگون شده بوروکراتهای نظامی و اداری بلند پایه، مالکین ارضی بزرگ وابسته و سرمایه داران وابسته و عوامل آنها.

صدر که وحدت سه جریان فکری اسلامی، سنتی، روشنفکر و التقاطی را در بر می‌گیرد.

رشد موضع وحدت طلبانه‌ی دولت نسبت به کشور- های جهان سوم بخصوص کشورهای منطقه و همچنین حرکت برای همکاری با جهان دوم در متفرد ساختن امپریالیسم امریکا در ماههای اخیر.

فعالتر شدن سیاست چین سوسیالیستی در قبال جهان سوم و برداشتن گامهای مثبتی نسبت به انقلاب ایران در ماههای اخیر.

مقاومت جهان دوم در برابر امریکا و شوروی در رابطه با ایران.

انجام اقداماتی به سود دهقانان به ویژه در زمینه‌ی ارضی.

پایان یافتن دوره‌ی موقت و ورود به مرحله‌ی دوم در زندگی جمهوری اسلامی یعنی تشکیل مجلس و دولت.

بالا رفتن آگاهی مردم در جریان مبارزه‌ی ایدئولوژیک - سیاسی یکسال و اند گذشته و بیشتر شدن واقع - بینی در صفوف خلق.

ایجاد ستاد سیاسی پرولتاریای ایران (حزب رنجبران ایران) و بسط و گسترش نفوذ سیاسی آن.

با توجه به نکات بالا و نقش عوامل مثبت و منفی در شرایط متلاطم کنونی، قطعنامه نتیجه می‌گیرد که علیرغم ادامه‌ی توطئه‌های دو ابر قدرت امریکا و شوروی، موفقیت آنها در توطئه به منظور بر انداختن رژیم کنونی و استقرار نظامی وابسته بخود بجای آن در کوتاه مدت محتمل نیست. در این مدت اوضاع ایران به صورتی تلاطمی جلو خواهد رفت و جمهوری اسلامی در این تلاطم همچنان قدرت خود را حفظ می‌کند.

مبارزه حزب در راه اتحاد بزرگ ملی و ادامه انقلاب

بر اساس این ارزیابی از اوضاع و نقش عوامل مثبت و منفی در چگونگی تکامل آن، قطعنامه تأکید می‌نماید که حزب باید روی عوامل مثبت با فشاری کرده، با عوامل تلاطم و هرج و مرج مخالفت نماید و برای استقرار نظم انقلابی مبارزه کند. قطعنامه خاطر نشان می‌سازد که استقرار واقعی نظم انقلاب منطبق بر سه اصل: مبارزه با عوامل تحقیر اتحاد...

و به طور اصولی و به دور از هر گونه دکماتیسم یا امپریسم به دفاع از مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون بپردازد. اپورتونیسیم را بهر شکلی که هست به ویژه انحراف بزرگ کنونی اپورتونیسیم "چپ" که راه را برای سلطه‌ی سوسیال-امپریالیسم شوروی بر میهن ما هموار می‌کند، زیر حمله متمرکز و همه جانبه‌ی ایدئولوژیک بگیرد. در مبارزه با اپورتونیسیم "چپ" باید نسبت به اپورتونیسیم راست هشیار بود.

انقلاب ایران، انقلابی طولانی، سخت و بفرنج است. حزب ما برای کسب پیروزی در فعالیتهای خویش باید این خصائل عمومی انقلاب را در جوانب مختلف فعالیت خود در مد نظر داشته باشد.

حزب ما در عین اینکه روی سیاست‌های درست یا - فشاری می‌کند باید با توجه به اوضاع متلاطم و خطری که از جانب دو ابر قدرت به ویژه ابر قدرت روس و عمال آن در ایران، حزب ما را تهدید می‌کند، همچنین با توجه به خطر سر سخنان ضد کمونیست و تحریکاتی که از جانب دشمنان انقلاب در صفوف خلق صورت می‌گیرد و غیره، هوشیاری خویش را در مبارزه‌ی ملی و طبقاتی کنونی حفظ نموده و بالا برد.

قطعنامه در باره اوضاع بین المللی در رابطه با

نقشه استراتژیک عمومی سوسیال امپریالیسم شوروی برای سلطه بر جهان

قطعنامه در باره مسائل سازمانی و بسط و گسترش پایه‌های توده‌ای حزب

سومین اجلاس وسیع کمیته مرکزی پس از استماع گزارش فعالیت عمومی و عملکرد حزب و گزارش و جمع بندی کمیسیون تشکیلات درباره‌ی کار توده‌ای و بسط و گسترش پایه‌های حزب، پس از بحث و تبادل نظر در این زمینه تأکید نمود که از هنگام تشکیل حزب پیشرو، طبقه‌ی کارگران ایران، حزب رنجبران ایران - علاوه بر انسجام و تحکیم صفوف آن از لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک، از لحاظ سازمانی نیز صفوف حزب گسترش یافته و عناصر پیشاهنگ تازه‌ای به درون حزب وارد گشته و حزب در مجموع یک روند رشد سیاسی ایدئولوژیک و سازمانی را طی کرده است. مع هذا علیرغم چنین رشدی، پایه‌های توده‌ای حزب به دلیل عدم پیوند عمیق اعضا و کادرهای حزبی با توده‌های وسیع زحمتکش و عدم تلفیق همه جانبه‌ی رهنمودهای عمومی حزب با شرایط مشخص کار-هنوز از گسترش لازم برخوردار نیست.

با توجه به اینکه حزب ما به مثابه پیشاهنگ طبقه‌ی کارگر زمانی قادر به انجام وظایف تاریخی خود خواهد بود که از یک تکیه گاه نیرومند توده‌ای برخوردار باشد، لذا باید تمامی حزب را از لحاظ ایدئولوژیک سیاسی، سازمانی و بسط

کار بر روی اهمیت کار در میان توده‌ها به ویژه زحمتکشان بسیج و نو سازی نمود و امر جلب خون تازه به حزب، ایجاد و گسترش پایه‌های توده‌ای وسیع در دستور کار همه رفقا و ارگانهای حزبی قرار گیرد. باید سمت کار توده‌ای حزب و مرکز نقل آن به میان کارگران و دهقانان انتقال یابد و با تقویت کادرها و رشته‌های کار مربوطه، زمینه‌ی لازم و امکانات تحقق این وظیفه‌ی بزرگ تسهیل و فراهم گردد.

قطعنامه دربارهٔ اوضاع ایران و وظایف حزب ما

سومین اجلاس کمیته‌ی مرکزی در ادامگی بحثهایی که طبق رهنمود دومین پلنوم، سازمان داده شده بود و بر پایه‌ی مطالعه و بررسی‌هایی که پیرامون وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کنونی ایران و چگونگی تکامل آتی اوضاع انجام گرفته بود، اوضاع جامعه و وظایفی را که در نتیجه‌ی این اوضاع در برابر حزب قرار می‌گیرد، مورد ارزیابی همه جانبه قرار داد و در این ارتباط قطعنامه‌ی "درباره‌ی اوضاع ایران و وظایف حزب" به تصویب رساند. در این قطعنامه که به اتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفت از جمله چنین گفته می‌شود:

الف - دهه‌ی ۸۰ سالهای پر تلاطم ناشی از رقابت دو ابر قدرت به ویژه حرکت تعرضی ابر قدرت نو خاسته‌ی شوروی برای تسلط بر جهان است. خلقها، ملل و کشورهای که خواهان انقلاب، آزادی و یا استقلال هستند، به ویژه در جهان سوم در برابر این رقابت دیوانه‌وار، قهرمانانه مقاومت می‌کنند. با توجه به اینکه سوسیال - امپریالیسم شوروی نقشه‌ی استراتژیک برای سلطه بر جهان داشته و گستاخانه در حال پیاده کردن آن است و با در نظر گرفتن اینکه این امر رقابت تسلیحاتی و جنگ سرد و حتی مانورهای نظامی دو ابر قدرت را شدت بخشیده است، رقابتی که به جنگ جهانی منجر می‌گردد - بنابراین کشور ما که در یک منطقه‌ی استراتژیک بیسیار مهمی قرار دارد، نمی‌تواند از این اوضاع برکنار بماند. دو ابر قدرت با تمام قوا برای کشاندن ایران به زیر نفوذ خود از هیچ تلاشی فروگذار نخواهند کرد. باید توجه داشت که سوسیال - امپریالیسم شوروی برای پیساده کردن نقشه‌ی استراتژیک خود، استقلال کشور ما را مورد تجاوز قرار خواهد داد و در این راه از دست زدن به هرگونه تحریک، توطئه، کودتا و یا اشغال و یا هر دو با هم آباء نخواهد داشت. گسترش مبارزه‌ی خلق افغانستان، مقاومت جهان سوم و عدم تسلیم جهان دوم به سوسیال - امپریالیسم، روسیه را مجبور نموده است سیاست مزورانه و سمج و داور کردن هیات حاکمه‌ی ایران به کنار آمدن با آنرا بهر قیمت پیش برد. ابر قدرت روسیه جناحهای انقیاد - طلب و یا تمایل بخود را تقویت می‌کند تا راه را برای نفوذ خویش به ایران و تجاوز آتی به میهن ما مساعد کند. به علاوه سوسیال - امپریالیسم روسیه بیشمارانه می‌کوشد از وضع هرج و مرج و عدم وحدت ناشی از انقلابیگری کاذب، انحصار طلبی و وجود مراکز متعدد قدرت به عنوان وسیله‌ی مناسبی

نوعته‌ها و احزاب دو برحدت، مرید، شوروی معبر این رابطه باید روی اخلاص عوامل آنها یعنی از یک طرف سیا و ساواکیهائی که در خدمت آنند و از طرف دیگر ک. گ. ب. و عوامل مزدور روسیه در حزب توده که در یک سال گذشته بر دامنه‌ی فعالیت خود افزوده‌اند، تاکید گذاشت.

مبارزه برای حفظ و یا کسب برتری به خاطر انحصار قدرت حاکمه، وجود مراکز متعدد قدرتی که مانع استقرار نظم انقلابی است و همچنین مبارزه بین دو جناح سرمایه داری خصوصی و بوروکراتیک برای تسلط بر قدرت حاکمه و اعمال دیکتاتوری قشری خود.

وجود خط مشی انقلابیگری کاذب که در کلیه‌ی شئون جامعه، چه زیر پوشش اسلام و چه تحت پوشش مارکسیسم خود را نشان می‌دهد.

عدم بر آوردن خواسته‌های به حق زحمتکشان و در مواردی سرکوب آنان.

لایینحل ماندن مسئله‌ی ملیتها به خاطر سیاست‌های انحرافی ملیت گرایی تنگ نظرانه و افراطی از یکسو و عدم بر آوردن خواسته‌های به حق ملیتها و کشانده شدن این مسئله به سطح مبارزه‌ی مسلحانه (کردستان).

سرکوب خشونت بار مردم و مخالفین از سوی مراکز رسمی و غیر رسمی قدرت به صورت مرحله‌ای و موج وار در سراسر کشور.

اخلال در امر اتحاد بزرگ ملی از طریق برانگیختن مبارزه‌ی ایدئولوژیک و محور قرار دادن آن توسط نیروهای اسلامی به ویژه جناحی از انقلابیگران کاذب و انحصار - طلبان علیه نیروهای ملی و کمونیست.

دامن زدن به سایه پراکنی، بر چسب زنی، ایجاد محیط سوء ظن و بد بینی و نزلزل نسبت به وضع کشور توسط عمال امپریالیسم به ویژه روسیه و آمریکا و مبتلا شدن جناح - هائی از بورژوازی و خرده بورژوازی به این بیماری ها.

نفوذ ایدئولوژی طبقات غیر پرولتری در میان طبقه‌ی کارگر، وجود گرایش اکونومیستی و دنباله روی در میان این طبقه.

وجود عقاید اپورتونیستی و ضد مارکسیستی در جنبش "چپ" و ایجاد جریانات التقاطی خرده بورژوازی در صفوف جنبش چپ، همچنین اخلال مارکسیستهای قلابی (رویزیونیستها، چپ نماها) و چپ روها در بر خورد به بورژوازی ملی و حاکمیت ملی.

عوامل کاهش تلاطم و هرج و مرج

در کنار این عوامل باز دارنده‌ی ادامه‌ی انقلاب، قطعنامه به منظور ارائه یک تصویر همه جانبه از اوضاع عمومی حاکم و سمت گیری در جهت به حرکت در آوردن عوامل مثبت، فاکتورهائی را که در جهت کاهش تلاطم و هرج و مرج موجود، عمل می‌کنند، به ترتیب زیر تصریح می‌نماید:

سیاست خارجی نه شرقی، نه غربی و موضع استوار توده‌ها در این زمینه که نسبت به گذشته استحکام بیشتری پیدا کرده است و اساساً "روی شعار نه آمریکا، نه روسیه متبلور شده است.

وجود جنبشهای توده‌ای و ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه علیرغم محدودتر شدن دامنه‌ی آنها.

یا فشاری امام خمینی روی وحدت به ویژه در جناح اسلام مبارز و کوشش برای جلوگیری از تفرقه در صفوف آنها.

طرح ایجاد جبهه‌ی اسلامی توسط رئیس جمهورینی

ملی و ایجاد "دولت اتحاد بزرگ ملی" با مضمون سه‌اصل خلق است. خط مشی اتحاد بزرگ ملی که با توجه به مرحله‌ی کنونی انقلاب ایران یعنی مرحله‌ی انقلاب دمکراتیک نوین توسط حزب ما مطرح شده است با هر گونه تفرقه در صفوف خلق و انحصاری شدن قدرت سیاسی توسط یک طبقه یا یک حزب مخالف است.

سیاستهای مشخص و وظائف حزب

قطعنامه‌ی سومین اجلاس کمیته‌ی مرکزی سپس سیاست - های مشخصی را که حزب باید در شرایط کنونی برای مبارزه با هرج و مرج موجود دنبال کند، تعیین نمود. موارد زیر از جمله تصریحاتی است که در این ارتباط در قطعنامه پلنوم به عمل آمده است:

حزب ما هم اکنون برای مبارزه با هرج و مرج باید سیاستهای مشخصی را در عمل پیاده کند:

* توجه بکار مستقل به مفهوم ارائه‌ی آلترناتیو دربر خورد به مسائل جامعه، بسط و توسعه‌ی نیروهای مترقی و توجه بیش از پیش بکار در میان توده‌ها به ویژه کارگران و دهقانان، آگاه و بسیج و متشکل ساختن آنها، سازماندهی و تقویت صفوف حزب به مثابه مبرمترین وظیفه‌ی کنونی.

* عمل کردن به عنوان پرچمدار واقعی اتحاد بزرگ ملی و نیفتادن در جنگ بین جناحهای حاکم و طرفداری یکجانبه از جناحی در مقابل جناحهای دیگر بلکه معین کردن سیاستهای درست و نا درست که از جانب آنها ارائه می - شود و پشتیبانی از این سیاستها یا مبارزه علیه آنها.

* در این رابطه و همچنین به خاطر پیشبردن سیاست وحدت - مبارزه با نیروهای بینابینی باید از یکسو به طور فعال نه تنها جوانب مثبت بلکه جوانب منفی و کمبودها را نیز در رابطه با خط حزب به بینیم و از طریق بر خورد و انتقاد از آنها، روشنائی بوجود آوریم و از سوی دیگر در رابطه با نیروهای سیاسی گوناگون، دوستان و دشمنان (متحدین نزدیک و دور، سر سخنان، و دشمنان نزدیک و دور) پروبلناریا و حزب را دقیقتر مشخص نمائیم.

بامیبار سه اصل خلق و اتحاد بزرگ ملی، باید خط فاصل درستی بین انقیاد طلبان و نیروهای ملی، بین وحدت طلبان و تفرقه اندازان، بین انقلابیون واقعی و انقلابیگری کاذب، بین طرفداران همکاری و تقسیم قدرت و انحصار - طلبان و قدرت طلبان، بین کسانی که جبهه‌ی واحدی طلبند - لوزیک می‌خواهند و کسانی که جبهه واحد را سیاسی می - دانند، بین سر سخنان ضد کمونیست و ضد اسلام غرب گرا و یا شرق گرا، بین کسانی که در مورد استقلال، نه شرقی نه غربی واقعی هستند با کسانی که نه شرقی یا نه غربی هستند، بین کسانی که آزادیهای دمکراتیک را می‌خواهند بسط و گسترش دهند و آنهایی که آن را محدود می‌کنند، بین کسانی که عدالت اجتماعی را برای زحمتکشان در درجه‌ی اول می - خواهند و آنهایی که سمت خدمت به طبقات غیر زحمتکش را دارند و غیره رسم نمائیم.

* بعلت وجود اپورتونیسم نسبتاً شکل گرفته در جنبش چپ و اغتشاشی که در ۲۰ سال گذشته بر اثر عملکرد رویزیونیستها به اشکال مختلف بوجود آمده است و بر اثر چپ روی یک بخش مهمی از جنبش چپ، در مقابل حزب ما یک وظیفه‌ی مهم و تخطی ناپذیری قرار دارد که با تمام قدرت

وظایف حزب ما

سومین نشست وسیع کمیته‌ی مرکزی حزب ما پس از بحث پیرامون اوضاع جهانی در رابطه با بررسی نقشه‌ی استرا - تزیک عمومی سوسیال - امپریالیسم شوروی و تاثیرات آن بر روی روند اوضاع در ایران و خاور میانه، همچنین به بررسی تکامل اوضاع بین المللی، تشدید رقابت میان دو ابر قدرت و افزایش خطرات ناشی از توسعه‌ی تدارکات جنگی آنها پرداخت.

سومین اجلاس کمیته‌ی مرکزی تصریح نمود که:

مبارزه خلقها و ملل مستمیده جهان به ویژه خلقها و کشورهای جهان سوم علیه دو ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی هر روز اوج تازه‌ای می‌یابد. امروز مادر سراسر جهان با مبارزه‌های بزرگ علیه ستمگری دو ابر قدرت آمریکا و شوروی و علیه تهدیدات و تجاوزات آنها روبرو هستیم. خلق های جهان سوم با ایجاد یک جبهه وسیع نبرد علیه این دشمنان اصلی بشریت و استقلال کشورها هر روز پیروزیهای تازه‌ای در مقابل با نقشه‌های استیلا گرانه و مطامع آزمندانه آنها کسب می‌کنند و کشورهای جهان دوم ناگزیر در دفاع از استقلال خویش به طور روز افزونی بسه مقاومت در برابر فشارها و تهدیدهای دو ابر قدرت بر می‌خیزند و بدین ترتیب شرایط هر چه مساعدتری در سد کردن راه پیشروی دو ابر قدرت و مقابله با تجاوزات، غارتگریها و سیادت طلبی این بزرگترین ستمگران و استثمار گران تاریخ فراهم می‌گردد.

در رابطه با نقش ابر قدرتها در ایران سومین اجلاس کمیته‌ی مرکزی تاکید نمود که:

پس از پیروزی انقلاب در کشور ما تضاد بین خلق و امپریالیسم، به ویژه دو ابر قدرت و عمالشان تضاد عمده را تشکیل می‌دهد. اکنون بر اثر ضربه‌ایکه امپریالیسم امریکادر کشور ما خورده است و بر اثر شکستهای پی در پی آن در سطح جهانی، این امپریالیسم در رقابت با سوسیال - امپریالیسم شوروی در حال دفاعی است، در حالی که سوسیال - امپریالیسم شوروی و عمالشان در ایران، پس از انقلاب مرتب به بسط و گسترش نفوذ خود پرداخته و امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست که خرس قطبی بر سر مرزهای ما کمین نشسته تا پنجه‌های پلید خود را به سوی میهن ما دراز کند و لاشه‌ی گندیده‌ی خود را تا آبهای گرم جنوب پهن نماید.

سومین اجلاس وسیع کمیته‌ی مرکزی پس از بحث عمومی اوضاع جهان، به طور مشخص به بررسی نقشه‌ی استراتژیک شوروی و تلاش‌های آن جهت سلطه بر جهان پرداخت و در این رابطه چنین خاطر نشان ساخت:

نقشه استراتژیک عمومی

سوسیال امپریالیسم شوروی